



# آیه نفی سبیل و نقش آن در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی

دکتر محمد ابراهیم مال میر<sup>۱</sup> (استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه).  
اعظم محمد دخت<sup>۲</sup> (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی).

## چکیده

یکی از قواعد و عناوین فقهی مورد بحث قاطبه‌ی فقها و علمای شیعه و اهل سنت، قاعده‌ی نفی سبیل کفار بر مسلمین و مؤمنین است که مبتنی بر مفاد فرایند قرآنی و روایات فرقانی و حکمت عقلانی و ایقانی است و فقهای فریقین در تبیین و مراتب تسری آن در ابعاد احکام فقهی، از دیرباز بسیار کوشیده‌اند و سطور کتب وزین خود را از مبانی تحلیلی این قاعده‌ی مهم، پوشیده‌اند. اما با همه‌ی این تحقیقات فراوان، کمتر از دایره‌ی حقوق فقهی و مبانی فقه‌تبی خارج شده و به دایره‌ی حقوق سیاسی و مبانی جامعه‌شناختی و اجتماعی این قاعده پرداخته‌اند. این مقاله بر آن است که ضمن تبیین جدیدی از مبانی قرآنی، فرقانی و عقلی و ایقانی قاعده‌ی نفی سبیل، به نقش آن در تحقق وحدت ملی و انسجام اسلامی بپردازد تا از این رهگذر نقطه‌ی عطفی باشد بر تبیین یکی از عوامل معده در تحقق منویات و اهداف تیزبینانه‌ی مقام معظم رهبری و نیز مستمسکی باشد برای امت واحد اسلامی. و بر همین نیت ضمن بیان پیشینه‌ی تحقیق در این مورد، به تعریف و تحلیل ادله‌ی این قاعده پرداخته شده و

مصادیق و حیطه‌ی زمانی آن مورد بررسی قرا گرفته است و پیوند و نقش متقابل آن با وحدت ملی و انسجام اسلامی به بحث گذاشته شده است که اهل تحقیق نوآوری‌های آن را به قضاوت خواهند نشست.

**کلید واژگان:** قاعده‌ی نفی سبیل، مذاهب اسلامی، وحدت ملی، انسجام اسلامی.

### مقدمه:

بر ارباب بصیرت پوشیده نیست که از تعین دوم در قوس نزول وجود که اعیان موجودات در حضرت علم خداوند تعالی، به وجود آمدند و به ویژه در تعیین سوم، یعنی تعین افعالی آثاری که مظاهر اعیان علمی در عرصه‌ی عین و ظهور موجودیت یافتند؛ مظاهر اعیانی اسماء «المضل» و «المذل» خداوند با مظاهر اعیانی اسماء «الهادی» و «الولی» خداوند، تبارک تعالی، همواره در تضاد بوده‌اند و جنود شیطان در مقابل جنود رحمان صف آرایی کرده و همواره مترصد و مترتب این بوده‌اند که با رخنه در صفوف امت واحده‌ی تحت ولایت «وَلِیُّ الَّذِیْنَ آمَنُوا» بر آنها تسلط و استیلا یابند و آنها را در خدمت امیال و آمال شیطانی خویش در آورند.

این نزاع از آدم صفی الله، علیه السلام، به عنوان «ولی الله» و شیطان رجیم به عنوان «ولی الطاغوت» شروع شد و تا عصر حضرت ختمی مرتبت، صلی الله علیه و آله وسلم، و عصر خاتمان ولایت آن حضرت، علیهم السلام، به ویژه خاتم ولایت کلیه و جزئیه و مطلقه و مقیده‌ی خداوند، یعنی حضرت مهدی (عج) ادامه داشته و دارد.

اما اگر چه از دیر باز این اهتمام و کمین‌نشینی و فرصت‌یابی جنود شیطان به اشکال مختلف مطرح بوده است، ولی در عصر حاضر، وسیع‌ترین و فراگیرترین هجمه‌ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دینی، اخلاقی و نظامی به اسلام و



مسلمین صورت می‌گیرد و همه ی جهان کفر در مقابل جهان اسلام بسیج شده‌اند.

بدیهی است که کوچک ترین غفلت باعث آن خواهد شد که دشمنان دین اسلام بر همه ی ابعاد وجودی مسلمانان سیطره و تسلط یابند و مسلمانان را به مذلت و اسارت خویش درآورند. و این در حالی است که در آیین جامع دین قویم اسلام، احکام و قواعدی متقن وجود دارد که به طرق مختلف، جامعه ی اسلامی را به اتحاد و همبستگی فرا می‌خواند و مقابله ی هوشمندانه و کیاست مدارانه ی مسلمانان را در مقابل کفار واجب می‌گرداند.

قواعدی چون: قاعده ی «لا ضرر و لا ضرار» و نیز قاعده ی بسیار مهم و استراتژیک و حیاتی «نفی سبیل کفار بر مسلمانان» که تبیین علمی و تحقق عینی آن در جامعه ی مسلمین، سد محکم و بنیان مرصوص و مستحکمی است در مقابل سیل هجمه ی همه جانبه ی کفار معاند.

### پیشینه ی تحقیق:

اگر چه قاعده ی نفی سبیل از دیر باز مورد بحث و استناد فقها و مفسران شیعه و اهل سنت بوده است، اما نکته ی قابل توجه این است که همه ی این مباحث، بیشتر به جنبه های خاص فقه عبادی و روابط تکلیفی پرداخته‌اند و در ضمن، مباحث مربوط به این قاعده بسیار پراکنده و در احکام متفرقی به صورت اشاره ای و گذرا مطرح شده است و تاکنون اثر مستقلی در این زمینه تألیف نشده است که همه ی ابعاد این قاعده را مورد مذاقه و بحث عمیق قرار دهد و به خصوص اثر این قاعده را در مسائل سیاسی، اجتماعی و جامعه شناختی دینی و روابط بین الملل تبیین نماید.

البته با تحقیق مفصلی که این حقیر انجام داد، متوجه شد که چند پایان نامه و مقاله در مورد این قاعده تدوین شده است که از آن جمله‌اند:

۱- پایان‌نامه‌ی «قاعده‌ی نفی سبیل و آثار و لوازم آن در فقه امامیه و اهل سنت» که آقای محمد قهرمان نژاد و به راهنمایی آقای محمد علی راغبی و مشاوره‌ی آقای عبدالله امیری فرد در دانشگاه قم، دانشکده‌ی ادبیات در سال ۱۳۸۱ نگاشته‌اند.

۲- پایان‌نامه‌ی «بررسی قاعده‌ی نفی سبیل و کاربرد آن در روابط بین الملل» که خانم رقیه عبدی در دانشگاه امام صادق (ع) نگاشته‌اند.

۳- پایان‌نامه‌ی «تبعیت دولت اسلامی از تصمیمات مجامع بین المللی و رابطه آن با قاعده‌ی نفی سبیل» که در سال ۸۰-۱۳۷۹ در دانشگاه آزاد اسلامی نوشته شده است و متأسفانه این حقیر به هیچ کدام از آنها دسترسی نداشت!

همچنین آقای دکتر سید محمود علوی در کتاب «مبانی فقهی روابط بین المللی» در فصلی به بحث قاعده‌ی نفی سبیل در روابط بین الملل و مستثنیات قاعده‌ی نفی سبیل اشاره کرده‌اند. (علوی، ۲۳۴)

نیز آقای روح الله حسینیان، بخشی از فصل سوم کتاب «تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه‌ی علمیه قم» را به بررسی مختصر قاعده‌ی نفی سبیل اختصاص داده است. (حسینیان، تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمیه قم)

در ضمن در همین موضوع می‌توان به مقاله‌ی آقای سیف الله صرامی تحت عنوان «قاعده‌ی نفی سبیل در سیاست‌های کلان نظام اسلامی (۳) (صرامی، ۹۷-۱۱۳)» و مقاله‌ی «قاعده‌ی نفی سبیل در فقه» (کتابخانه طهور <http://tahoor.Com/page Php? pid = 8409.۲۰۰۹/۲/۱۰>) اشاره کرد.

اما با همه‌ی این‌ها تاکنون آن گونه که بایسته و شایسته است، تألیفی مستقل و همه‌سونگر پیرامون قاعده‌ی نفی سبیل نوشته نشده است و صد البته در موضوع مقاله‌ی حقیر یعنی نقش قاعده‌ی نفی سبیل در اتحاد ملی و انسجام اسلامی هیچ مقاله یا کتابی تدوین نشده است.

## روش تحقیق:

در این مقاله به روش کتابخانه‌ای و بر مبنای روش تحلیل محتوا و هرمنوتیک، سعی شده است فارغ از نوشته‌های دیگران، از اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین متون فقهی و تفسیری شیعه و اهل سنت و معاجم فقهی، به تعریف و تحلیل ادله‌ی قاعده‌ی نفی سبیل و مصادیق آن پرداخته و استناد فرق هشت‌گانه‌ی اسلامی را به قاعده‌ی مذکور مورد بررسی قرار دهیم و در این زمینه، احادیث مربوطه را از معتبرترین مجامع حدیث فریقین مستند نماییم و کلیه‌ی آیاتی را که به نحوی در این زمینه مطرح شده‌اند، مورد بررسی قرار دهیم. امید که نقطه‌ی عطفی باشد در تدوین کتابی جامع، در این زمینه و گامی کوچک به حساب آید در تبیین مبانی فکری تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی.

### ۱- تعریف قاعده‌ی نفی سبیل

فقه‌های شیعه و اهل سنت بر مبنای ادله‌ی نقلی و عقلی قاعده‌ای را استنباط و مطرح کرده‌اند که بر مبنای آن، نظر به اینکه مؤمنین دارای علو تکوینی و تشریحی بر کفار بوده و حتی کفار، در مقایسه با آنان، به منزله موتی محسوب شده‌اند که حداقل، حیات معنوی را فاقدند، هیچ‌گونه راهی برای تسلط و سیطره‌ی کفار بر مؤمنین در تکوین و تشریح وجود ندارد. به عبارت دیگر در قوانین الهی و نیز قواعد فقهی فقه‌های اسلامی، نفی سلطه‌ی کفار بر مسلمانان از اصول اساسی و حق‌الیقینی است.

و لذا در وحی الهی و به تبع احکام فقه‌های فریقین، هیچ قاعده و قانونی به نفع کفار و بر ضرر مسلمین وضع نشده و نباید بشود. زیرا این نکته با حیات مؤمنین و برتری و علو آنها بر کفار و نیز علو اسلام بر کفر و عزت مسلمانان و ذلت کفار، منافات دارد.

پس قاعده‌ی نفی سبیل عبارت است از: نفی جعل هر گونه سبیل و راهی که به هر طریق منجر به تسلط کفار بر مسلمانان و مؤمنان شود. و بدیهی است که این قاعده منحصر به مبانی فقه عملی در روابط و حقوق فردی نیست، بلکه در مبانی حقوق بین الملل و روابط سیاسی و موقعیت جهانی اسلام نیز مطرح است. و بزرگان دین در این موارد، در گذشته‌های نه چندان دور، در فتوای سیاسی خویش به این قاعده استناد کرده و مسلمانان را پیروز نموده‌اند که از آن جمله است: فتوای تحریم تنباکو در سال ۱۲۷۰ توسط مرحوم میرزای شیرازی، قدس سره، و نیز نفی قانون کاپیتالاسیون در آبان ماه ۱۳۴۳ توسط امام خمینی، قدس سره، که در هر دو مورد مذکور، به قاعده‌ی نفی سبیل استناد شده است. و بر مبنای همین قاعده است که فقهای فرق هشت گانه‌ی اسلام، امروز در تقریب مذاهب فتاوی بسیار مهمی داده‌اند که در همین مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲- دلایل اثباتی قاعده‌ی نفی سبیل

مجموعه دلایلی را که می‌توان در اثبات قاعده‌ی نفی سبیل اقامه کرد، به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند: ۱- ادله‌ی نقلی ۲- ادله‌ی عقلی. که در ذیل به طور مختصر به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم:

### ۱- ادله‌ی نقلی

ادله‌ی نقلی، به مجموعه‌ای از دلایل اطلاق می‌گردد که مبتنی بر نقل قول باشد و از آن جهت که در ادله‌ی اربعه‌ی دینی، دلایل نقلی عبارتند از قرآن و سنت، لذا در بیان ادله‌ی نقلی در اثبات قاعده‌ی نفی سبیل، به نقل آیات قرآنی و سنت و روایات فرقانی رسول الله، صلی الله علیه وآله وسلم، و ائمه‌ی هدی، علیهم السلام، استناد می‌گردد. مضاف بر این آنکه، ادله‌ی نقلی یا به اعتباری لفظی، به واسطه‌ی دارا بودن مرتبت اطلاق و حجّیت در مراتب ظنّ و شک، از اعتبار

بیشتری نسبت به ادله ی عقلی برخوردارند. و بدیهی است که بالاترین مرتبت اطلاق و حجیت در ادله ی نقلی، مختص به آیات قرآنی است که ابتدا به بررسی آنها می پردازیم:

### الف) آیات قرآنی

آیاتی که به طرق مختلف می توان الفاظ قاعده ی نفی سبیل را از آنها استنباط کرد، متعددند. اما از آن میان، اگر چه قاطبه ی فقها و مفسرین و علمای اصول، الفاظ قاعده ی نفی سبیل را از آیه ی ۱۴۱ی سوره نساء اتخاذ نموده اند اما به نظر حقیق قاعده ی مذکور از مجموعه آیات زیر استنباط می شود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدُوا وَإِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» \* «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» \* «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» \* «بَشَرِ الْمُنَافِقِينَ بَأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» \* «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبَتُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» \* «وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَّعَدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» \* «الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَ نَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ

لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» \* «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» \* «مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا» \* «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا». (النساء، ۱۴۴-۱۳۵)

چنانکه ملاحظه می‌شود، الفاظ قاعده ی نفی سبیل از قسمت پایانی آیه ی ۱۴۱ یعنی: «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» گرفته شده است. اما با دقت در سایر الفاظ آیات فوق و به ویژه آیه ی مبارکه مذکور می‌توان علاوه بر واژه کلیدی «سبیل»، دو واژه کلیدی مهم دیگر را نیز که نقش معنایی خاصی در قاعده ی نفی سبیل دارد، ملاحظه نمود که عبارتند از: «ترتبص» و «استحواذ» که برای تبیین هر چه بهتر قاعده ی مذکور به شرح مختصر هر یک از این سه واژه ی مبنایی می‌پردازیم:

#### ۱- ترتبص:

در معاجم اختصاصی آمده است که: «ترتبص، یتربص (به)؛ ای: یکمن له (Lie in wait)؛ یواری نفسه عنه فی مکان مناسب کی یفاجئه بالاعتداء حال بلوغه ذلک المكان. والترتبص او الترتصد فی جرائم القتل، هو بینة علی سبق الاصرار و التصميم (Premeditated design) الذی یقوم علیه جرم القتل العمد.» (فاروقی، ۲/ ۴۲۳)

و در فقه، الترتبص (Waiting ; Stake out): «الانتظار و الترقب.» (احمد فتح الله، ۱۰۵؛ قلجی، ۱۲۷)

«یقال: ربت به و ترتبصت. ای: انتظرته و ترقبته. والترتبص: الانتظار بالشئ سلعه كانت یقصد بها غلاء او رخصا او امرا ینتظر زواله او حصوله.» (راغب، ۱۸۵)



البته تربص، کثرت و طول انتظار است برای سود بیشتر. در قرآن می‌خوانیم که: «...فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ» (المؤمنون، ۲۵) و لذا تربص را مکث نیز گفته‌اند (ابن اثیر، ۲/ ۱۸۴؛ ابن منظور، ۷/ ۳۹؛ زبیدی، ۹/ ۲۸۷) و بر همین مبنا است که متربص را محتکر نیز گویند. (ابن منظور، ۷/ ۳۹؛ محمد بن عبدالقادر، ۱۲۶) پس به طور کلی می‌توان گفت که تربص در این آیه، نوعی انتظار و درنگ و مکثی حساب شده و آگاهانه و از روی تعمد و برنامه‌ریزی شده است برای نیل به مقصود و هدفی که نفع انتظار کشنده (کفار) در آن باشد.

### ۲- استحواذ:

به معنای استبداد و با «علی» به معنای استغراق و نیز به معنای تفرّد و انفراد در امر یا چیزی و منع دیگری از آن (مرکز معجم فقهی، مصطلحات، ۲۰۶/ ۲۶۴؛ احمد فتح الله، ۴۳، ۵) و نیز به معنای استیلا و غلبه (طباطبائی، ۱۹/ ۱۹۵) و احاطه (فراهیدی، ۳/ ۲۸۴؛ ابن منظور، ۳/ ۴۸۶) و تسلط آمده است و در این معناست آیه ی شریفه «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (المجادله، ۱۹) و لذا استحواذ در این آیه: دستیابی، غلبه، استیلا و استبداد جنود شیطان و احاطه و تسلط قهرآمیز و همه جانبه ی کفار است بر مؤمنین و جامعه اسلامی.

### ۳- سبیل:

این واژه علاوه بر آیه‌ی مذکور و مورد بحث، در آیاتی دیگر نیز به همین معنا ذکر گردیده که از آن جمله است: «فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهِ أُرْكَسْتَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْتَدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا» (النساء، ۸۸)

«وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ

لَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا \* «إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَيَّ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (النساء، ۹۰-۸۹)

«لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَ لَا عَلَى الْمُرْضَى وَ لَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (البرائه، ۹۱)

«وَ لَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» (الشوری، ۴۱)  
 «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (الشوری، ۴۲)

واژه‌ی سبیل وقتی با حرف «علی» به کار می‌رود به معنای غلبه و قهر و استیلاء است و در معنای دلالت و حجت نیز به جهت غلبه و استیلاء لفظی و عقلی است. از قول ابن عباس، رحمه الله، نقل شده است که سبیل در آیه‌ی مذکور نصرت و ظهور است (طبرسی، مجمع البیان، ۳/۲۲؛ ابن الجوزی، ۲/۲۰۹). در تفسیر سمرقندی، سبیل، دولت دائمه معنا شده است (سمرقندی، ۱/۳۷۵). و رازی در تفسیر خود، سبیل را قدرت، مطالبه و الزام، معنی کرده است و نفی سبیل را نفی این موارد می‌داند (رازی، ۸/۱۰۹).

ما حصل کلام آنکه: قرآن، غلبه و قهر و حکومت و دولت کفار بر مسلمانان را نفی کرده و راه استیلاء و قدرت یافتن و در نتیجه الزام و تبعیت و فرمان برداری مؤمنین از کفار را نفی نموده است و این نکته مورد اتفاق همه‌ی مفسران شیعه و اهل سنت است (۲۷).

## انواع سبیل:

۱- تفوق کفار بر مؤمنین از حیث حجت که اگر چه ظاهراً دارای تفوقی باشند، حجت آنها باطل است.

۲- تفوق کفار از حیث تشریح، خداوند حکمی را که مستلزم تفوق کافر بر مسلم باشد وضع نکرده است. قاطبه‌ی فقهای مذاهب رسمی فقهی در اسلام، مثل مذاهب اربعه‌ی اهل سنت، یعنی: مذهب شافعی، مالکی، حنفی و حنبلی و مذاهب اربعه غیر اهل سنت، یعنی: مذهب زیدی، ظاهری، اباضی و شیعی جعفری، در امهات متون فقهی خویش با استناد به همین آیه در ابعاد مختلف فقهی به نفی سبیل از کفار پرداخته‌اند. که به بعضی از این متون در مذاهب مذکور اشاره می‌شود:

### مذهب شافعی:

- ۱- (رافعی، فتح العزیز، ۸/ ۱۱۰) ۲- (نووی المجموع، ۳۶۰؛ ۱۸/ ۳۲۴؛ ۱۹/ ۳۴۶) ۳- (فتح الوهاب، انصاری، ۱/ ۲۷۲) ۴- (محمد بن أحمد شربینی، الإقناع فی حل ألفاظ أبی شجاع، ۱/ ۲۵۳؛ ۲/ ۲۰۵- مغنی المحتاج / ۲/ ۸؛ ۳/ ۷۴؛ ۴/ ۱۳۲، ۳۰۹، ۳۷۵) ۵- (شروانی و عبادی، حواشی الشروانی، ۷۸/۹، ۳۹۴؛ ۱۰/ ۱۰۶) ۶- (دمیاطی، إغانه الطالبین، ۳/ ۱۱؛ ۴/ ۳۲۴) ۷- (شرح الوجیز، ۸/ ۱۱۰) ۸- (اسنی المطالب، ۷/ ۳۹۳؛ ۱۴/ ۱۸۵؛ ۲۲/ ۸۱) ۹- (شرح البهجه الوردیه، ۸/ ۳۴۲) ۱۰- (ابن حجر، تحفه المحتاج فی شرح المنهاج، ۲۳/ ۲۸۴؛ ۳۸، ۱۹۸/ ۴۱/ ۳۰۴؛ ۴۲/ ۴۳۶) ۱۱- (ابن حمزه، نهایه المحتاج فی شرح المنهاج، ۲۵/ ۴۲۳) ۱۲- (حصنی دمشقی، کفایه الاخیار فی حل غایه الاختصار، ۱/ ۱۱۴) ۱۳- (شیخ سلیمان جمل، حاشیه الجمل، ۱۰/ ۱۵۹؛ ۲۲/ ۲۸۲) ۱۴- (بجیرمی مصری، حاشیه البجیرمی علی الخطیب، ۷/ ۳۱۳؛ ۱۲/ ۳۹۶)، (حاشیه البجیرمی علی المنهج، ۶/ ۳۳۰؛ ۱۶/ ۹۶).



### مذهب مالکی:

- ۱- (حطاب رعینی، مواهب الجلیل، ۱۷ / ۵۴۰) ۲- (دسوقی، حاشیه الدسوقی، ۴ / ۴۱۶) ۳- (أبو البركات، الشرح الكبير، ۳ / ۳۸۷) ۴- (ابن رشد الحفید، بدایه المجتهد ونهایه المقتصد، ۲ / ۲۸۷، ۲۹۵) ۵- (شرح مختصر خلیل، دردیور، ۱۰ / ۳۸۲؛ ۲۳۳/۱۴؛ ۳۲۰ / ۱۸؛ ۱۱۹ / ۲۴) ۶- (ابن مهنا نفرأوی، الفواکه الدوانی علی رساله ابن ابی زید القيروانی، ۵ / ۱۶۲) ۷- (شیخ احمد صاوی، حاشیه الصاوی علی شرح الصغير، ۴ / ۴۶۳؛ ۸ / ۸۰) ۸- (شیخ عیش محمد مالکی، منح الجلیل شرح مختصر خلیل)، ۱۶ / ۲۸۷؛ ۱۴ / ۲۵۱؛ ۱۶ / ۱۴۹).

### مذهب حنفی:

- ۱- (سرخسی، المبسوط، ۱۰ / ۵۲؛ ۱۳ / ۱۳۰، ۱۳۳) ۲- (أبو بكر كاشاني، بدائع الصنائع، ۲ / ۲۳۹، ۲۵۳، ۲۷۲؛ ۵ / ۱۵۳؛ ۶ / ۲۸۰) ۳- (المارديني، الجوهر النقي، ۷ / ۱۸۹) ۴- (ابن نجيم المصري، البحر الرائق، ۳ / ۲۱۷) ۵- (البحر الرائق شرح كنز الدقائق)، ۸ / ۱۴۱؛ ۱۸ / ۳۰۸-۳۰۹) ۶- (القادري الحنفي، تكمله ی البحر الرائق، ۱ / ۱۵۷-۱۵۸) ۷- (رد المختار، ۷ / ۱۱۱؛ ۹ / ۴۱۲) ۸- (ابن عابدين، حاشیه ی رد المختار، ۲ / ۳۳۷؛ ۳ / ۸۵)، (تكمله ی حاشیه ی رد المختار) علاء الدين)، ۱ / ۵۲۴، ۷۸۸) ۹- (تبيين الحقائق (شرح كنز الدقائق)، ۵ / ۲۰۷، ۳۳۶؛ ۹ / ۳۵۳؛ ۱۳ / ۳۵) ۱۰- (كلواذی، الهدایه، ۱ / ۲۸۴) ۱۱- (العنايه، (شرح الهدایه)، ۴ / ۴۳۳؛ ۱۰ / ۴۵۵؛ ۱۱ / ۱۹۷) ۱۲- (عبادی، الجوهره النيره، ۴ / ۱۱) ۱۳- (ابن همام، فتح القدير، ۷ / ۲۲ / ۱۰ / ۸۹؛ ۱۲ / ۴۴۷؛ ۱۷ / ۱۵۶؛ ۱۸ / ۱۷۵، ۱۷۸) ۱۴- (محمد بن فرامور (ملا خسرو)، درر الحکام (شرح غرر الاحکام)، ۴ / ۹۴) ۱۵- (داماد افندی، مجمع الانهر فی شرح ملتقى الابحر، ۳ / ۹۲).

### مذهب حنبلی:

- ۱۷- (ماوردی، الاقناع، ۱ / ۲۵۳؛ ۲ / ۲۰۵) ۱۸- (ابن مفلح مقدسی، الفروع، ۱۱ / ۴۰۵) ۱۹- (اليهوتي، كشاف القناع، ۳ / ۱۳۱، ۲۱۰، ۳۸۵، ۵۲۱) ۴ /

٣٢٦،٤٤٥؛ ٥ / ٤٣٨) ٢٠- (مصطفی سیوطی، مطالب اولی النهی فی شرح غایه ، ١٧٩ / ٧، ٣٩٦؛ ٨ / ٣٣١؛ ١٢ / ٣٧٦؛ ١٤ / ٢٥٧؛ ١٦ / ٣٤٥؛ ١٨ / ٣٣٤) ٢١- (ابن ضویان (ابن ضویان)، منار السبیل شرح الدلیل ، ١ / ٧ / ٢ / ٢١٣، ٨١) ٢٢- (ابن الخل ، الروض المربع ، ١ / ١٠١)

### مذهب زیدی:

(أحمد مرتضی، شرح الأزهار، ٤ / ٣٦٦، ٤٤٣، ٥٦٤)

### مذهب ظاهری:

٢٣- (ابن حزم، المحلی، ٧ / ٣١٨، ٩ / ٢٠٨، ٢٢٦، ٤٤٩؛ ١٠ / ٣٥٢؛ ١١ / ٣٩، ٣٣٨) ٢٤- (ابن حزم، الاحکام، ٥ / ٧٢٨).

### مذهب شیعهی جعفری:

١- ( شیخ طوسی، الخلاف، ٣ / ١٨٨، ١٩٠، ٤٥٤؛ ٥ / ١٤٦؛ المیسوط / ٢ / ١٦٧؛ ٣ / ١٣٩؛ ٦ / ١٢٩) ٢- (ابن زهره ی حلبی، غنیه النزوع، ٢١٠، ٤٠٤، ٢٣٤) ٣- (ابن ادريس حلی، السرائر، ٢ / ٨٧، ٩١، ١٨٦، ٣٨٨، ٥٤٣؛ ٣ / ٢٢، ٣٢٤) ٤- (محقق حلی، شرائع الإسلام، ٢ / ٤٣٢، ٥٦٧؛ ٣ / ٦٧٧؛ ٤ / ٧٧٧- ٧٧٨، ٩٩٩) ٥- (فاضل آبی، كشف الرموز، ٢ / ١٤٩، ٤٠٦) ٦- (علی بن محمد قمی، جامع الخلاف والوفاق، ٢٤٦، ٢٨٣، ٥٥٣) ٧- (علامه ی حلی، تذکره الفقهاء، ١ / ٢٣٦، ٤٢٥، ٤٦٣، ٥٩٠؛ ٢ / ١١٥، ١١٧، ٢٠٩، ٢٧٠، ٥٩٩) ؛ مختلف الشیعه، ٥ / ٥٩؛ ٦ / ٢٢؛ ٧ / ٨٠؛ ١٢٦؛ ١٣٢ / ٨؛ منتهی المطلب، ١ / ٥١٥؛ ٢ / ٩٣٠؛ نهایه الاحکام، ٢ / ٤٥٦، ٤٥٩) ٨- (ابن علامه، ایضاح الفوائد، ١ / ٤١٣؛ ٣ / ١٠٣، ٤٦٧، ٥٨٩، ٦٣٤، ٥٩٣، ٥٩٦، ٦١٨) ٩- (ابن فهد حلی، المهذب البارع، ٣ / ٢١٦، ٢٩٩؛ ٤ / ١٠٤، ٩٣، ٢٩٧؛ ٥ / ١٧٧، ١٨١) ١٠- (محقق کرکی، جامع المقاصد، ٦ / ٣٦٥؛ ٨ / ٢٠٠؛ ١٢ / ١٠٧) ١١- (شهید ثانی، شرح اللمعه، ٣ / ٧٧، ٢٢٨، ٢٤٣، ٢٦٠؛ ٤ / ٣٧٨؛ ٦ / ٢٤٥، ٣٢٢، ٣٥٣؛ ٩ / ٣٤٧؛ مسالک الأفهام، ٧ / ١٦٦، ٣٦٥؛ ١٠ / ٥٢٧؛

- ١٢ / ٢٧٨، ٤٦٦؛ ١٣ / ٢٠؛ ١٥ / ١٤١ (١٢) - (أردبیلی، زبده البیاء، ٤٣٩؛ مجمع الفائده، ٧ / ٤٦٩؛ ٨ / ١٦١، ٢٣٧؛ ٩ / ٢٦، ١٤٣، ٥٠٦؛ ١٠ / ٣٥٧، ٣٩٩؛ ١٤ / ٢٢، ٢٦) - (سبزواری، کفایه الأحکام، ١ / ٦٧٩) ١٤ - (فاضل هندی، کشف اللثام، ٧ / ٢٢٧؛ ٨ / ٣٤٩؛ ١١ / ٩١، ٨٧، ٩٣) ١٥ - (بحرانی، الحدائق الناضره، ١٨ / ٤٢٤، ٤٢٥؛ ٢٠ / ٣١٠؛ ٢٢ / ٣٩، ٦١؛ ٢٣ / ٢٦٧-٢٦٨، ٢٧٠؛ ٢٤ / ٣٥-٣٦) ١٦ - (سید محمد جواد عاملی، مفتاح الکرامه، ١٢ / ٥٦٢) ١٧ - (سید علی طباطبائی، ریاض المسائل، ٧ / ٥٤٤؛ ١٠ / ٢٤٣؛ ١٢ / ٣١٠؛ ١٤ / ٨٥) ١٨ - (شیخ جواهری، جواهر الکلام، ٢٨ / ٤٠٥؛ ٣٠ / ٥١؛ ٣١ / ٢٨٧؛ ٣٧ / ٢٩٤؛ ٤٢ / ١٥٠) ١٩ - (شیخ أنصاری، کتاب المکاسب، ٢ / ١٦٢؛ ٣ / ٥٨٢؛ ٤ / ١٤٢) کتاب النکاح، ١٢٧، ٣٩٨، ٤٠١) ٢٠ - (سید محمد بحر العلوم، بلغه الفقیه، ٤ / ١٥٣) ٢١ - (آخوند خراسانی، حاشیه المکاسب، ٩٩) ٢٢ - (یزدی، العروه الوثقی، ٦، ٤١٧) ٢٣ - (خوانساری، منیه الطالب (تقریر بحث النائینی)، ٢٠ / ٢٢٩، ٢٤٥؛ جامع المدارک، ٣، ٤٨٧؛ ٤ / ٧٥ / ٤٧٦؛ ٦ / ٣١٨) ٢٤ - (أصفهانی، حاشیه المکاسب، ٢ / ١٦٨، ٤٤٣) ٢٥ - (سید محسن حکیم، مستمسک العروه، ١٤ / ٤٨٢) ٢٦ - (امام خمینی، کتاب البیع، ٢ / ٧٢٠، ٧٢٣، ٧٣٤؛ کتاب الطهاره، ٣ / ٣١١) ٢٧ - (خوئی، کتاب النکاح، ٢ / ٣١١-٣١٢؛ مبانی تکمله المنهاج، ١ / ٣٣٦؛ مصباح الفقاهه، ٣ / ١١٧، ٣٤٠، ٣٤٢) ٢٨ - (گلیایگانی، بلغه الطالب، ٣٨؛ کتاب القضاء، ٢ / ٤٠) ٢٩ - (شیخ محمد علی أنصاری، الموسوعه الفقیهیه المیسره، ٣ / ٢٨٤) ٣٠ - (علی أصغر مروارید، الینابیع الفقیهیه، ١٠ / ٣٦١، ٤١٠؛ ١١ / ٢٥٩؛ ١٣ / ٢٠٠، ٢٠٥؛ ١٦ / ٣٣، ٣٥، ٣٣٥، ٣٤٦؛ ١٩ / ٣٧٥؛ ٢٤ / ٢٤٤؛ ٢٥ / ٣٠٩، ٣٢٩ / ٣٢؛ ٣٥ / ١٢٨-١٢٩، ٢٤٥؛ ١٣٦، ٣٤٩، ٣٨٨؛ ٢٤٠ / ٥) ٣١ - (روحانی، فقه الصادق (ع)، ١٤ / ١٥٦؛ ١٩ / ٣٦١؛ ٢٠ / ٢٦٣؛

۲۱/۲۰۵، ۴۴۶، ۴۴۸؛ ۲۲/۳۰۶؛ ۲۴/۴۱۳؛ ۲۶/۳۸؛ منهاج الفقاهه ،  
 ۱/۲۲۷).

### مصادر مستقل فقهی:

۱- (محمد بن اسماعیل الکحلانی، سبیل السلام، ۳/۲۲۹) ۲- (الشوکانی، نیل  
 الأوطار، ۷/۱۵۵، ۱۴۲؛ ۸/۴۴-۴۵) ۳- (الشیخ سید سابق، فقه السنه،  
 ۲/۱۰۶، ۱۲۵، ۳۴۳، ۶۰۶).

### حیطه ی زمانی نفی سبیل:

البته در حیطه ی زمانی نفی سبیل میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد.  
 عده‌ای بر آنند که این نفی سبیل و غلبه و تسلط در آخرت و روز قیامت است و  
 عده‌ای که سبیل را به «حجت» تفسیر کرده اند، حیطه ی آن را در دنیا می‌دانند.  
 ولی به نظر می‌رسد که با توجه به موارد مختلف و آیات متعدد که ذکر آنها  
 موجب تطویل کلام خواهد بود، قرآن در دنیا و آخرت هر گونه تسلط و غلبه و  
 قدرت و حکومت و ولایت کفار را بر مؤمنین نفی فرموده است. علامه طباطبائی  
 رحمت الله علیه در این مورد می‌فرماید:

«ممکن است که نفی سبیل اعم از نشئه‌ی دنیا و آخرت باشد. زیرا مؤمنین  
 مادامی که به لوازم ایمان خویش التزام داشته باشند، بر کفار غالب و مسلط و  
 برترند.» (طباطبائی، ۵/۱۱۶)

بی شک لوازم ایمان متعدد است و مطابق نص آیات قرآنی و روایات فرقانی،  
 مؤمنین دارای صفات و ویژگی‌های بسیاری هستند که از آن جمله‌اند:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» \*  
 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا  
 نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا

بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتَسَبَّ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (الحجرات، ۱-۱۰) \* «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» \* «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرُهُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ» (المائدة، ۵۲-۵۱) \* «مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُغَمًا سُجَّدًا يُبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (الفتح، ۲۹)

و قال النبي، صلى الله عليه وآله وسلم: «المسلم اخ المسلم» (حلى، ۲ / ۱۶؛ نراقى، عوائد الأيام، ۲۲۸؛ مرواريد، ۹ / ۱۸۴؛ رافعى، ۸ / ۳۲۷؛ ابن نجار بغدادى، ۲ / ۱۲۳) وعن امام جعفر بن محمد، عليهما السلام: «المسلم اخو المسلم لا يظلمه ولا يخذله ولا يحرمه. فيحق على المسلمين الاجتهاد فيه والتواصل والتعاون عليه والمواساه لاهل الحاجه» (حسين بن سعيد، ۴۴؛ كلينى، ۲ / ۱۷۴-۱۷۵؛ مازندراني، ۹ / ۴۹-۵۱؛ حر عاملى، وسائل الشيعه (آل البيت)، ۱۲ / ۲۰۳، ۲۱۵ / ۱۶؛ ۳۸۵؛ نورى، ۹ / ۵۴؛ مجلسى، ۷۱ / ۲۵۶؛ حويزى، ۵ / ۷۷-۷۸؛ قرشى، ۲۲۰). على، عليه السلام، مى فرمايد: «إن الخيلاء من التجبر والتجبر من النخوه والنخوه من التكبر. وإن الشيطان عدو حاضر يعدكم الباطل. إن المسلم أخ المسلم فلا تخاذلوا ولا تنازروا. فإن شرايع الدين واحده وسبله قاصده، فمن أخذ بها لحق ومن فارقها محق ومن تركها مرق.» (حرانى، ۲۰۳؛ مجلسى، ۷۵ / ۳۹؛ نجفى، موسوعه ی احاديث أهل البيت عليهم السلام، ۱۱ / ۲۹۰)





«ان المؤمن اخ المؤمن.» (محقق اردبیلی، زبده البيان، ۳۹۶؛ حرانی، ۲۹۶؛ مازندرانی، ۶ / ۲۷۶؛ نوری، ۸ / ۳۳۲؛ مجلسی، ۱ / ۱۵۱ / ۶۴ / ۷۶؛ ۷۱ / ۲۸۶؛ ۷۵ / ۱۷۶؛ محمودی، ۷ / ۴۲۵؛ فیض کاشانی، التفسیر الصافی، ۵ / ۵۱؛ تبریزی، ۵۲۰) وعن امام جعفر الصادق، علیه السلام: «المسلم اخو المسلم وهو عینه و مرآته ودلیلہ.» (خمینی، المکاسب المحرمه، ۱ / ۲۵۱؛ کلینی، ۲ / ۱۶۶؛ مازندرانی، ۹ / ۳۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعه (آل البيت)، ۱۲ / ۲۰۴، ۲۷۹؛ مجلسی، ۷۱ / ۲۳۷، ۲۷۰؛ حویزی، ۵ / ۸۶؛ سید شرف الدین، ۱۰؛ قرشی، ۲۱۹؛ تبریزی، ۵۲۵) «المؤمن اخ المؤمن وهو عینه و مرآته.» (ابن فهد حلی، عدّه الداعی، ۱۷۴) وعن امام جعفر الصادق، علیه السلام: «ان المؤمنین اخوه بنو اب وام.» (نراقی، عوائد الأيام / ۲۲۸؛ حویزی، ۵ / ۸۶).

از طرف دیگر در همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی آمده است که: «المؤمن کَیْسٌ فَطِنٌ حَذِرٌ» (مجلسی، ۶۴ / ۳۰۷؛ ابن سلامه، ۱ / ۱۰۷-۱۰۸؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ۲ / ۶۶۲؛ متقی هندی، ۱ / ۱۴۳، ۱۶۲؛ عجلونی، ۲ / ۲۹۳؛ ثعلبی، ۱۰ / ۲۸۷؛ ذهبی، ۲ / ۲۱۷؛ ابن حج، لسان المیزان، ۳ / ۹۸).

و اعتقاد عملی التزام به این مبانی ایجاب می‌کند که مؤمنین همواره مصداق «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹) باشند و حقا که «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (البینه/۷) \* «...وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (المنافقون/۸)

### ب) روایات فرقانی

علاوه بر دلالت آیات مذکور در اثبات قاعده‌ی نفی سبیل، احادیث و روایات متعددی از زبان تالیان قرآن کریم نقل شده است که مفاد آنها دلالت بر علو و برتری و فضیلت مسلمانان و مؤمنین بر کفار دارد که از آن جمله است حدیث

نبوی مشهوری که بسیاری از فقها آن را دلیل نقلی قاعده‌ی نفی سبیل می‌دانند بدین لفظ که: «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه» (شیخ طوسی، الخلاف، ۴/ ۲۴؛ ۶/ ۴۱۹، ۴۳۹؛ المیسوط، ۲/ ۱۳۰؛ ۳/ ۳۴۳؛ ۷۱/۸؛ ابن البراج، المذهب، ۱/ ۳۹۵؛ جواهر الفقه، ۵۱؛ حلبی، ۲۱۰، ۳۲۸؛ ابن‌إدریس الحلّی، ۱/ ۴۷۶؛ ۲/ ۳۵۷؛ ۳/ ۲۶۶؛ محقق حلّی، ۲۴۵؛ قمی، جامع الخلاف والوفاق، ۲۴۶، ۴۱۹؛ علامه حلّی، تذکره الفقهاء (ط.ق.)، ۱/ ۴۴۶؛ ۲/ ۲۷۴-۲۷۵؛ مختلف الشیعه، ۴/ ۴۱۴/ ۴۴۴/ ۵/ ۱۸۹/ ۸/ ۹۱؛ منتهی المطلب (ط.ق.)، ۲/ ۹۷۳؛ ابن فهد حلّی، ۲/ ۴/ ۳۲۱؛ ۳۴۶؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ۳/ ۴۶۳/ ۴/ ۱۶۵/ ۱۶/ ۱۲۰؛ جامع المقاصد، ۱۲/ ۱۰۷/ ۳۹۶؛ شهید ثانی، شرح اللمعه، ۶/ ۳۲۲؛ مسالک الأفهام، ۳/ ۷۹/ ۷/ ۱۶۷/ ۱۰/ ۳۸۶/ ۱۳/ ۲۰؛ محقق اردبیلی، مجمع الفائده، ۷/ ۵۲۰؛ فاضل هندی، ۷/ ۶۷-۱۰/ ۶۸/ ۱۲/ ۱۶/ ۱۶/ ۴۳۷؛ وحید بهبهانی، ۹۵، ۵۸۶؛ عاملی، ۱۲/ ۵۷۷؛ سید علی طباطبائی، ریاض المسائل، ۲/ ۲۱۲؛ ۷/ ۴۸۶/ ۵۴۱/ ۵۴۴؛ ۱۲/ ۳۸۵؛ محقق نراقی، مستند الشیعه، ۱۹/ ۳۹؛ جواهری، ۲۱/ ۱۳۶، ۱۴۵، ۲۸۴، ۲۸۶/ ۲۲/ ۳۳۴/ ۲۹/ ۲۰۶/ ۳۱/ ۲۸۷، ۲۹۴/ ۳۷/ ۲۹۴؛ ۳۸/ ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۰۱؛ ۴۰/ ۱۲؛ ۴۱/ ۶۱۸؛ شیخ أنصاری، کتاب الطهاره (ط.ق.)، ۲/ ۳۵۱؛ کتاب المکاسب، ۲/ ۱۶۲/ ۳/ ۱۶۲/ ۴/ ۱۴۳/ ۶/ ۲۱؛ کتاب النکاح، ۱۲۸/ ۱۷۸؛ همدانی، ۲/ ۵۳۹، ۵۶۳؛ آخوند خراسانی، اللمعات النیره، ۱۵۵؛ حاشیه المکاسب، ۲۳۷؛ یزدی، ۱/ ۳۱؛ أصفهانی، ۲/ ۱۶۸، ۲۵۴، ۴۴۵-۴۴۶، ۴۸۳/ ۳/ ۲۴۶؛ القدیمه، ۱۶؛ حکیم سید محسن، مستمسک العروه، ۴/ ۷۰/ ۱۴/ ۴۸۲؛ نهج الفقاهه، ۳۷۸؛ امام خمینی، کتاب البیع، ۲/ ۷۲۶/ ۷۴۰؛ امام خمینی، کتاب الطهاره، ۳/ ۳۱۱؛ خوئی، کتاب الطهاره، ۸/ ۹۱؛ کتاب النکاح، ۲/ ۳۱۱-۳۱۲؛ مصباح الفقاهه، ۱/ ۷۵۲/ ۳/ ۳۴۸، ۳۵۷/ ۵/ ۲۸۰؛ گلیایگانی، کتاب القضاء، ۱/ ۲۲؛ نتائج الأفكار، ۱۲۴؛ روحانی، المرتقی إلى الفقه الأرقی، ۲/ ۲۰۶؛ أنصاری، الموسوعه الفقهيّه المیسره، ۳/ ۲۵۶، ۲۸۳-۲۸۵؛ مرواری-د، ۵/ ۳۱۷/ ۹/ ۱۳/ ۷۳/ ۱۷۲، ۲۰۵، ۲۶۰/ ۱۴/ ۳۷۹/ ۲۲

۲۶۲. ۳۶/۱ / ۳۷۰، ۲۰۶ / ۳۵ / ۱۵، ۳۴/۲ / ۴۳۹، ۲۰۶/۳۲ / ۱۷۹، ۱۱۸ / ۳۱ / ۳۴۰، ۲۳۴ / ۲ / ۳۳۳ / ۳ / ۳۰۷ / ۱۳ / ۷۵ / ۱۴ / ۱۵۶ / ۱۵ / ۶۰ / ۱۹ / ۳۶۳ / ۲۱ / ۲۰۵ / ۲۲ / ۳۰۶ / ۲۴ / ۲۸۱ / ۴۱۳؛ منهج الفقاهه، ۱ / ۲۲۷ / ۲ / ۲۹۳ / ۶ / ۲۴۲؛ طهوری، ۲ / ۵۴۹ / ۳ / ۲۰۷ / ۶۸۶، ۶۸۸؛ خمینی، تهذیب الأصول، ۳ / ۷۸؛ روحانی، منتقى الأصول، ۵ / ۳۸۳.

إمام أحمد مرتضى، شرح الأزهار، ۱ / ۴۲۷ / ۳ / ۲۱۲، ۵۶۸؛ نووی، ۱۵ / ۲۸۶ / ۳۱۶ / ۱۸ / ۳۲۴، ۱۹ / ۴۱۱، ۴۱۴. ۴۴۰-۴۴۱؛ أنصاری، ۲، ۳۱۵؛ شریبانی، الإقناع فی حل ألفاظ أبی شجاع، ۲ / ۲۲۶ / ۲۶۶؛ مغنی المحتاج، ۲ / ۴۲۲ / ۳ / ۱۹۵ / ۴ / ۲۵۵ / ۲۰۰، ۴۹۰؛ شروانی و عبادی، ۹ / ۲۶۹ / ۱۰ / ۳۵۰؛ بکری دمیاطی، ۱ / ۱۱۲؛ أبو البرکات، ۴ / ۱۱۷؛ سرخسی، المبسوط، ۵ / ۴۰، ۴۵ / ۱۰ / ۱۹۹ / ۱۶ / ۱۳۴ / ۱۷ / ۴۹، ۳۰ / ۱۲۸، ۳۰-۳۱؛ کاشانی، بدائع الصنائع، ۲ / ۲۳۹، ۳ / ۲۷۱، ۷ / ۱۰۰، ۱۳۱، ۱۷۸؛ المصری، البحر الرائق، ۳ / ۳۶۲ / ۵ / ۲۱۰؛ حصکفی، رد المختار، ۳ / ۲۰۴؛ طوری قادری حنفی، ۲ / ۱۴۰؛ ابن عابدین، حاشیه رد المختار، ۳ / ۲۰۴ / ۴ / ۴۳۰ / ۶ / ۴۰۸؛ عبد الله بن قدامه، المغنی، ۶ / ۳۷۵ / ۱۰ / ۹۳ / ۹۶، ۱۲ / ۶۱۲، ۲۱۵-۲۱۶؛ الشرح الكبير، ۶ / ۳۷۶ / ۱۰ / ۱۰۱، ۱۰۴، ۶۱۷-۶۱۸ / ۱۲ / ۲۲۲؛ بهوتی، ۳ / ۱۵۰ / ۴ / ۳۸۴ / ۶ / ۲۳۲-۲۳۳؛ کحلانی، ۴ / ۶۷؛ شوکانی، ۶ / ۱۹۳ / ۷ / ۱۴۲ / ۱۵۵ / ۹ / ۱۸۲؛ سرخسی، شرح السیر الكبير، ۱ / ۱۲۹.

حسینی مراغی، ۲ / ۳۵۳، ۳۵۵-۳۵۶؛ بجنوردی، ۱ / ۱۹۰-۱۹۱ / ۵ / ۳۶۲-۳۶۳؛ مکارم، ۱ / ۳۵؛ سیستانی، ۸۴ / ۹۱، ۱۹۹؛ مصطفوی، ۲۹۴). اسلام همواه بر هر چیز برتری می‌یابد و چیزی بر آن برتری نخواهد جست.

هر چند بعض از محققین به جهت مرسل بودن این حدیث در اعتبار آن تشکیک کرده‌اند و آن را هم از نظر سند و هم از نظر دلالت مورد خدشه قرار داده‌اند(صرامی، ۱۰۶).

اما حقیقت آن است که به نظر می‌رسد که محققین محترم اگر تحقیق بیشتری می‌کردند به این نتیجه نمی‌رسیدند! زیرا برخلاف ادعای ایشان که: «این حدیث ظاهراً در صحیح مسلم و صحیح بخاری از مهم ترین کتاب های روایی اهل سنت نیز نقل نشده» (همان).

این حدیث اولاً تواتر شفاهی دارد و ثانیاً در بسیاری از کتب معتبر فریقین مذکور است و از آن جمله در صحیح بخاری (بخاری، ۹۶/۲؛ بیهقی، السنن الکبری، ۶/۲۰۵؛ نووی، ۱۱/۵۲؛ ابن حجر، فتح الباری، ۳/۱۱۷۵/۹؛ عینی، ۸/۱۶۹؛ مبارکفوری، ۶/۲۴۱؛ عظیم آبادی، ۸/۸۶؛ أحمد بن محمد بن سلمه، ۳/۲۵۷-۲۵۸؛ دارقطنی، ۳/۱۷۷؛ بیهقی، معرفه السنن والآثار، ۵/۳۲۱؛ زیلعی، ۳/۴۰۴؛ ابن حجر، الدرر النورانی فی تخریج أحادیث الهدایه، ۲/۶۶؛ أحمد بن علی بن حجر، ۹۲-۹۳؛ ابن حجر، تغلیق التغلیق، ۲/۴۸۸-۴۹۰؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ۱/۴۷۴؛ متقی هندی، ۱/۶۶؛ مناوی، ۳/۲۳۳؛ عجلونی، ۱/۱۲۷؛ البانی، ۵/۱۰۶، ۱۰۸؛ رازی، ۳۲/۲۴؛ آلوسی، ۳۰/۱۸۷؛ سعدی، ۳۲۵؛ شنقیطی، ۸/۱۰۰).  
( شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۴/۳۳۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعه (آل البیت)، ۱۴/۲۶، ۱۲۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعه (الإسلامیه)، ۱۷/۳۷۶، ۴۶۰؛ نوری، ۱۷/۱۴۲؛ عبد الوهاب، ۲۴؛ السید ابن طاووس، ۱۴؛ الأحسانی، ۳/۴۹۶؛ مجلسی، ۳۹/۴۷؛ نمازی، ۵/۱۱۱/۷/۴۱۶).

( أصفهانی، ۱/۶۵؛ آمین، ۱/۳۰۳/۹/۴۴۱؛ سید فخر بن معد، ۱۶۴؛ سید جعفر مرتضی، ۶/۲۹؛ علامه حلی، نهج الحق وکشف الصدق، ۵۱۵؛ التستری، ۴۴۹-۴۵۰؛ کلباسی، ۲۳۲/۳۸۱، ۴۴۷، ۵۳۴، ۵۳۷؛ آمینی، سیرتنا وسنتنا، ۱۵۱؛ شهابی خراسانی، الإسلام والشیعه الإمامیه فی أساسها التاریخی، ۲۶؛ هاشمی، ۲۹۲؛ کیدری/۲۲۳).

مؤید این حدیث نیز، اولاً، مفاد آیات مذکور در بحث قبل است و در ثانی، احادیث فراوانی است که معنی و ادعای این حدیث را تأیید می‌کنند که از آن جمله‌اند:

«الحق یعلو ولا یعلی علیه» (مازندرانی، ۹۹ / ۵؛ شیخ مفید، ۴ / ۲؛ نقوی، ۲۶۱ / ۹؛ امینی، الغدیر، ۸ / ۵، عجلونی، ۱ / ۱۲۷؛ عاملی، الانتصار، ۴ / ۲۴۶؛ میلانی، ۲۵۶ / ۹ / ۱۱ / ۱۵۴ / ۱۴ / ۳۲۹ / ۱۷ / ۱۸۵؛ قادری، ۱۲۹) و «المؤمن عزیز فی دینه» (کلینی، ۲ / ۲۴۵؛ شیخ صدوق، مصادقه الإخوان (فارسی)، ۴۸؛ مازندرانی، ۸ / ۱۰۰ / ۹ / ۱۸۴، ۱۹۰؛ طبرسی، مشکاه الأنوار، ۱۸۸، ۳۲۷؛ مجلسی، ۶۴ / ۱۵۰ / ۷۱ / ۲۸۶؛ نمازی، ۱۰ / ۲۶۲؛ نجفی، ۱۱۸؛ مناوی، ۶ / ۲۹۴؛ طریحی، ۳ / ۱۷۳)

در کتب حدیث آمده است که «مر رجلاً علی عمر بن الخطاب و قد تخشع وتذلل، فقال: الست مسلماً؟ قال: بلی. قال: فرفع رأسک وامدد عنقک، فان الاسلام عزیز منیع» (أحمد بن حنبل، ۱ / ۷۸؛ متقی هندی، ۳ / ۸۰۶؛ مناوی، ۴ / ۳۶۶).

«ان الله فوض الى المؤمن اموره كلها ولم يفوض اليه ان يكون ذليلاً اما تسمع ان الله تعالى يقول «...وَلِلَّهِ اَعْرَظُهُ وَ لِرِسُوْلِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ» (المنافقون، ۸)» (کلینی، ۵ / ۶۳؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحكام، ۶ / ۱۷۹؛ حر عاملی، وسائل الشیعه (آل البيت)، ۱۶ / ۱۵۶؛ نوری، ۱۲ / ۲۱۰؛ طبرسی، مشکاه الأنوار، ۱۰۳ / ۱۷۴؛ مجلسی، ۶۴ / ۷۲ / ۹۷ / ۹۲؛ بروجردی، ۱۴ / ۶۹؛ نمازی، ۳ / ۴۴۹ / ۸ / ۳۳۶؛ نجفی، ألف حدیث فی المؤمن، ۱۱۳ / ۲۳۴؛ موسوعه احادیث أهل البيت عليهم السلام، ۴ / ۳۳ / ۷ / ۱۴۶؛ حویزی، ۵ / ۳۳۵؛ نراقی، جامع السعادات، ۱ / ۲۳۵؛ تبریزی، ۱۰۹)

امام جعفر صادق، علیه السلام، می‌فرماید: «قال الله تعالى عزوجل: لیأذن بحرب منی من اذل عبدي المؤمن ولیأمن من غضبی من اكرم عبدي المؤمن» (علامه حلی، الرساله السعديه، ۱۴۴؛ محقق اردبیلی، مجمع الفائده، ۱۲ / ۳۵۷؛ فاضل هندی، ۱۰ / ۵۲۱؛ جواهری، ۴۱ / ۴۱۰؛ خوانساری، جامع المدارک، ۷ / ۹۷؛

گلیایگانی، در المنزود، ۲/ ۱۳۸؛ مصطفوی، ۲۹۴؛ برقی، ۱/ ۹۷؛ کلینی، ۲/ ۳۵۰؛ شیخ صدوق، ثواب الأعمال، ۲۳۸؛ مازندرانی، ۹/ ۴۲۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعه (آل البيت)، ۱۲/ ۲۶۴، ۲۶۹؛ حر عاملی، وسائل الشیعه (الإسلامیه)، ۸/ ۵۸۷، ۵۹۱؛ نوری، ۱۹/ ۱۰۰؛ طبرسی، مشکاه الأنوار، ۴۹۴؛ أحسانی، ۱/ ۳۶۱؛ حر عاملی، الجواهر السنیة، ۳۳۱؛ مجلسی، ۶۴/ ۷۱-۱۴۹؛ ۷۲/ ۱۴۵-۱۵۲؛ ۱۱۰/ ۱۱۴)

مجموعه ی این احادیث واحادیث و روایات دیگری که مجال بیان آنها نیست، بیانگر این حقیقت است که اسلام، هر اقدامی را که باعث خدشه دار شدن علو و عزت اسلام و مسلمین گردد و ذلت و خواری را بر آنها تحمیل کند و به نحوی غیر مسلمانان را که به منزله ی موتی هستند (الکفار بمنزله الموتی لا یحجبون ولا یورثون) ر.ک: شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۴/ ۳۳۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعه (آل البيت)، ۲۶/ ۱۲۵؛ بجنوردی، ۱/ ۱۹۰، ۱۹۳-۱۹۴؛ سیستانی، ۹۱) بر آنها استیلا دهد، نفی نموده است و به همین جهت مجموعه ی این احادیث دلایل متقنی بر اثبات قاعده ی نفی سبیل می باشند.

## ۲- دلایل عقلی:

مجموعه دلایلی که مبتنی بر اندیشه ی فردی صاحبان عقل سلیم و مؤید به سیره جمعی عقلانی است را دلایل عقلی گویند و لذا می توان دلیل «عقل» و «اجماع» را از ادله ی اربعه دینی، دلایل عقلانی قلمداد کرد که نقش آنها را در اثبات قاعده ی نفی سبیل مورد بررسی قرار می دهیم.

### الف) دلیل عقلی:

در تبیین دلیل عقلی قاعده ی نفی سبیل آمده است که شرافت و عزت اسلام علت تامه و مقتضی آن است که در احکام و شرائع خود، حکمی را جعل نکند که موجب ذلت مسلمان و حقارت او در مقابل کافر شود. وقتی خداوند فرموده است:

«...وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (المنافقون، ۸)

چگونه ممکن است که اسلام حکمی را قرار دهد که سبب علو کفار بر مسلمین شود! و مسلمان را به امتثال آن حکم ملتزم گرداند که در این صورت بر خلاف مفاد آیه‌ی شریفه، کفار عزیزتر و مسلمانان ذلیل‌تر خواهند شد! (ر.ک: بجنوردی، ۱۹۲/۱؛ حسینی مراغی، ۲/۳۵۲؛ مصطفوی، ۲۹۴؛ انصاری، الموسوعه الفقهيّه الميسره، ۳/۲۸۶). و این عقلاً محال است.

علاوه بر این آنکه، عقل ایقانی و ایمانی مؤید به حکمت و حیانی، حکم می‌کند که مسلمانان به واسطه‌ی پیروی از دین جامع قرآنی که ناسخ ادیان و شرایع فرقانی آسمانی است، از عزّت و شرافت و فضیلت بیشتری نسبت به سایر انسان‌ها برخوردارند و بر مبنای همین استدلال عقلی متقن، یقیناً در اسلام حکمی که مایه‌ی ذلت و خواری مسلمانان باشد، وضع نشده است و قطعاً اگر فقیهی، با هر استدلالی، چنین حکمی را از ادله‌ی دینی استنباط کند، باطل و غیر عقلانی و مردود است و از مسلمات عقلی یقینی قطعی است که وقتی بر اساس دلایل نقلی، اعم از آیات قرآنی و روایات فرقانی که نص شارع مقدسند، حکمی که مایه‌ی تسلط و استیلای کفار بشود، وضع نشده است، عقل بالمستفاد فردی و جمعی نیز آن را نفی می‌کند که «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل و کما حکم به العقل حکم به الشرع».

### (ب) اجماع:

اجماع محصل قطعی همه‌ی فقها و مفسرین و علمای فریقین بر این است که در اسلام هیچ حکمی که به واسطه‌ی آن کفار بر مسلمانان غلبه و تسلط یابند و یا موجب ذلّت و خفت و ضعف مسلمانان شود، جعل نشده است (بجنوردی، ۱/۱۹۱؛ انصاری؛ الموسوعه الفقهيّه الميسره، ۳/۲۸۶؛ مصطفوی، ۲۹۳).

بلکه بر عکس، اجماع بر این است که در وضع همه‌ی قوانین و احکام شارع مقدس، عزت و فضیلت مسلمانان مراعات و لحاظ شده است.

### ۳- مصایق قاعده‌ی نفی سبیل

فقه‌های فریقین در زوایای کتب فقهی خویش با توجه به اعتبار قاعده‌ی نفی سبیل بر مبنای ادله‌ی مذکور، برای این قاعده مصادیقی را بیان کرده‌اند که طبق احصاء و تقسیم بندی جدید در این مقاله از آن جمله‌اند:

الف - عدم جواز تملک انسان کافر بر مسلمان به هر نحوی از انحاء اعم از تملک اختیاری مثل: تملک از طریق ۱- خرید، ۲- صلح، ۳- هبه، ۴- اصداق ۵- دفع عوض دین ۶- ضمان، ۷- وصیت.

یا تملک قهری مثل: ۸- ارث، ۹- اجاره، ۱۰- عاریه، ۱۱- رهن، ۱۲- ودیعه ۱۳- وقف.

ب - عدم ثبوت ولایت کافر بر مسلمان اعم از: ۱۴- ولایت بر صغیر، ۱۵- مجنون، ۱۶- سفیه در مال و نکاح و ۱۷- ولایت نداشتن بر اوقاف و ۱۸- احکام اموات.

ج - عدم ثبوت حق کافر بر مسلمان از جانب خدا مثل: ۱۹- زکات، ۲۰- خمس، ۲۱- کفاره، ۲۲- صدقات و نیز در مسائل اجتماعی مثل: ۲۳- عدم جواز نکاح زن مسلمان و ۲۴- نداشتن حق قصاص در مورد قاتل مسلمان، ۲۵- فسخ عقد نکاح در صورت کافر شدن مرد و ۲۶- عدم حق قضاوت و لو حائز همه‌ی شرایط باشد و ۲۷- عدم جواز وصایت بر مال مسلمان، ۲۸- عدم جواز وکالت در بیع مسلمان، ۲۹- عدم ثبات حق شفعه برای شریک کافر، ۳۰- ارث نبردن وارث کافر از مسلمان، و نیز ۳۱- مانع نشدن وارث طبقه‌ی اول کافر از ارث طبقه‌ی دوم مسلمان.



- د - عدم ثبوت إذن پدر کافر در موارد چون: ۳۲- نکاح دختر باکره و ۳۳- صحت نذر ۳۴- عهد و ۳۵- قسم پسر، و نیز ۳۶- عبادات و ۳۷- ازدواج.
- ه - عدم صحت فروش بعضی از موارد به کافر مثل: ۳۸- فروش یا ۳۹- رهن قرآن به کافران، ۴۰- فروش کتاب های حدیث و تفسیر و مواعظ و ادعیه به کفار، ۴۱- فروش ضریح مقدس ائمه، علیهم السلام، به ویژه ضریح امام حسین، علیه السلام، ۴۲- فروش پرده ی کعبه به کفار، ۴۳- فروش زمین های اماکن مقدسه.

#### ۴- نقش قاعده ی نفی سبیل در اتحاد ملی و انسجام اسلامی

و اما آنچه در این مقاله، پس از اثبات قاعده ی نفی سبیل و بیان مصادیق فقهی مورد استناد فقهاء فریقین، به بحث گذاشته می شود، نقش قاعده ی نفی سبیل در اتحاد ملی و انسجام اسلامی است.

پیش از خوض در این مبحث، ذکر این نکته ضروری است که نقش قاعده ی نفی سبیل در اتحاد ملی و انسجام اسلامی نقشی متقابل است، و لذا در دو مقوله مورد بحث قرار می گیرد:

الف) نقش قاعده ی نفی سبیل در اتحاد ملی و انسجام اسلامی.

ب) نقش اتحاد ملی و انسجام اسلامی در تحقق قاعده ی نفی سبیل.

#### الف) نقش قاعده ی نفی سبیل در اتحاد ملی و انسجام اسلامی

با توجه به آنچه تاکنون ذکر شد، مطابق قاعده ی نفی سبیل، هر عملی که باعث تسلط و غلبه ی کفار و نیل آنها به آرمان خویش که استحواد و استیلا و حکومت بر مسلمانان است، نفی شده است و بدیهی است که اگر چه از دیر باز بر سنت تربص طویل، کفار در پی حکومت بر جوامع اسلامی بوده اند و به هر کاری در رسیدن به این آرمان و آرزو دست زده اند که از آن جمله است: ایجاد تفرقه و شکاف در صفوف مسلمانان، اما امروزه در این اقدام بسیار تلاش می کنند و بزرگ

ترین وسیله‌ی نیل به اهداف سلطه جویانه‌ی خود را ایجاد تفرقه دینی و مذهبی در جوامع اسلامی می‌دانند که نموده‌های آن از دید هیچ اهل بصیرتی مخفی نیست و یقیناً تفرقه‌ی امت اسلامی یکی از موارد سبیل کفار است، که باید مورد توجه مسلمانان به ویژه علمای اسلام و فقهای فریقین باشد.

### تفرقه و پیامدهای سوء آن

طوفان سهمگین تفرقه و رویارویی مذاهب و جوامع اسلامی، پیامدهای بسیار زیان باری را در پی داشته و دارد، و بر همین مبناست که اساس تعالیم اسلام بر نفی تفرقه بین مسلمانان و ایجاد اتحاد میان مسلمین است: قرآن تفرقه را مصداق منکر، و اتحاد را مصداق معروف، و مایه‌ی فلاح معرفی کرده می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» \* «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴-۱۰۳)

و در پایان می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران، ۱۰۵) و در آیات دیگری می‌فرماید:

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» \* «وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ

سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لِّقَضَىٰ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوْرثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ» (الشورى، ۱۴-۱۳)

قرآن تنازع در امر دنیا را مایه‌ی پراکندگی و فشل شدن امت اسلامی معرفی کرده و می‌فرماید:

«وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (الأنفال، ۴۶)

«وَ لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعَدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۵۲)

و سفارش می‌کند که در موارد تنازع باید به اطاعت خدا و رسول و رد مسئله‌ی مورد تنازع به خداوند پرداخت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» \* «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» \* «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا» (النساء، ۶۱-۵۹)

پس تنازع و تفرقه، سستی و خواری مسلمانان را به ارمان می‌آورد و از پیامدهای شوم آن به قول حضرت امام خمینی، قدس سره: «استعمار طبقه‌ی محروم، و جلوگیری از پابندی و عمل به تعالیم اسلام» (امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ۱/۱۹۲)، و «فروپاشی اجتماع مسلمین» (همان، ۱۶/۳۷)، و در نهایت «مرگ ذلت بار و اسارت شرق و غرب» (همان، ۲۰/۳۵)، و «از دست دادن شخصیت

اسلامی» (همان، ۱۴ / ۷۶)، و بالأخره «تسلط اجانب بر مسلمین است» (همان، ۵ / ۳۷).

امام خمینی، قدس سره، می‌فرماید: «این تفرقه باعث شد که آنها به آمال خودشان رسیدند.» (همان، ۵ / ۱۰۰) که این همان تربص کفار در نیل به استحواد است و «رمز موفقیت ابرقدرت‌ها در ایجاد تفرقه است» (همان، ۱۹ / ۴۶).

### وجوب وحدت بر اساس قاعده‌ی نفی سبیل

با توجه به این اثرات شوم تفرقه در امت اسلامی، قرآن مردم را به وحدت دعوت می‌کند و می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران، ۱۰۳) «قُلْ اِيْمًا اَعْظَمَكُمْ بِوَاٰحِدَةٍ اَنْ تَقُوْمُوا لِلّٰهِ مَثْنٰى وَ فِرَادٰى...» (سبأ، ۴۶)

یکی از ضروریات وحدت در عصر حاضر، جلوگیری از توطئه‌ی شوم استکبار و استیلا و تفوق کفار به سرکردگی شیطان بزرگ است. امام خمینی، قدس سره، می‌فرماید: «دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشان، صلی الله علیه و آله وسلم، ابرقدرت‌ها خصوصاً آمریکا و فرزند نامشروعش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و رمز موفقیت آنان در این توطئه‌ی شیطانی، تفرقه انداختن بین مسلمانان به هر شکل که بتوانند می‌باشد.» (امام خمینی، صحیفه‌ی نور، ۱۹ / ۴۶)

امام خمینی، قدس سره، به دنبال آن بودند که با ایجاد وحدت و همبستگی و انسجام اسلامی بین مسلمانان، مانع بزرگی بر سر راه تسلط کفار بر مسلمانان ایجاد کنند که این خود مصداق تام و تمامی از قاعده‌ی نفی سبیل است.

ایشان می‌فرمایند: «مسلمین باید برای ... وحدت کلمه تلاش کنند» (همان، ۱۲۲/۶-۱۲۳)، «و به استکبار جهانی اجازه ندهند که در مقدرات کشورهای اسلامی دخالت کنند.» (همان، ۱۵ / ۱۲۵) معظم له اهدافی را از این اتحاد و وحدت و انسجام مسلمانان پی‌گیری می‌کردند که از آن جمله‌اند: دفع ایادی



اجانب(همان، ۱ / ۲۵۰)، حفظ عظمت و شرافت(همان)، جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد(همان، ۹ / ۱۷)، تشکیل امتی شکست‌ناپذیر و بنیانی مرصوص(همان، ۱۱۱ / ۲۰) و ایجاد هویت اسلامی برای مسلمانان(همان، ۲۳۴) و کوتاه کردن دست جهان خواران از امت اسلام(همان، ۱۹ / ۴۳؛ ۱۹ / ۲۰) و برچیده شدن پایگاه‌های نظامی شرق و غرب از کشورهای اسلامی(همان، ۲۰ / ۱۱۴) و...

تمام موارد مذکور از قول امام خمینی، قدس سره، مصداق تامّ و تمامی است بر قاعده ی نفی سبیل.

علاوه بر امام خمینی، قدس سره، از دیگر چهره‌هایی که به این قاعده استناد جسته و در پی وحدت امت اسلامی برآمدند: سید جمال الدین اسد آبادی است، که به همراهی شاگرد خود، شیخ محمد عبده در این راه تلاش فراوانی را صورت داد. و نیز از کسان دیگری که در راه وحدت اسلامی گام مؤثری برداشته است، می‌توان شیخ محمد شلتوت، رئیس جامع الأزهر مصر، را نام برد که بر اثر تأسیس دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه، توسط آیت الله محمد تقی قمی، زمینه ای مناسب تلاش های مفیدی را در تقرب مذاهب فراهم نمود. البته نباید نقش آیت الله العظمی بروجردی، قدس سره، را در زمینه‌ی صدور فتوای شیخ محمد شلتوت نادیده گرفت:

**متن فتوای شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الأزهر، راجع به جواز عمل به مذهب شیعه ی امامیه؛**

از ایشان سؤال شد: بعضی از مردم چنین می‌اندیشند برای آنکه مسلمان عبادات و معاملاتش صحیح باشد حتماً باید به یکی از مذاهب چهارگانه‌ی معروف عمل کند و در بین آنها مذهب شیعه‌ی امامیه و مذهب زیدیه نیست. آیا شما با این رأی به طور کلی موافقت دارید، و تقلید از مذهب شیعه ی امامیه را جائز نمی‌شمردید؟

در جواب چنین گفتند:

۱- دین اسلام بر احدی از پیروانش متابعت از مذهب خاصی را لازم نمی شمرد بلکه ما می گوئیم: برای هر فرد مؤمن چنین حقی است که بتواند در ابتدای امر از هر یک از مذاهبی که صحیحاً نقل شده و در کتابهای مخصوص، احکام آن مذهب نوشته شده است پیروی کند و همچنین کسی که از یک مذهب از این مذاهب پیروی می کرده می تواند عدول به مذهب دیگر بنماید، هر مذهبی باشد، و در این عملی باکی بر او نیست.

۲- جایز است شرعاً عمل کردن به دستورات مذهب جعفریه که به مذهب امامیه‌ی اثنا عشریه معروف است مانند سایر مذاهب اهل سنت، و سزاوار است مسلمانان این مطلب را بدانند و از عصییت و طرفداری های بی جا و بدون حق و حمایت از مذهب معینی خودداری کنند. دین خدا و شریعت او تابع مذهبی نیست یا منحصر در مذهبی نیست. هر کس به مقام اجتهاد فائز گردد عنوان مجتهد بر او بار، و در نزد خدای تعالی عملش مقبول خواهد بود. و جایز است برای کسی که اهلیت نظر و اجتهاد را ندارد از ایشان تقلید کند و به آنچه در فقهشان مقرر داشته‌اند عمل بنماید، و در این مسئله بین عبادات و معاملات تفاوتی نیست. محمود شلتوت (ر.ک):

<http://test.taghrib.ir/persian/?pgid=6&scid=51dcid>

از فتوای شلتوت تا کنون فقها و مجتهدین شیعه و اهل سنت با هوشیاری فتوهای متعددی را در تحکیم وحدت اسلامی بیان فرموده‌اند که مبتنی بر قاعده نفی سبیل بوده و در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی نقش بسیار مهمی دارند، و از آن جمله‌اند:

فتوای مفتی کل عمان و اباضیه‌ی جهان، احمد بن حمد الخلیلی، درباره‌ی پیروان مذاهب اسلامی؛ فتوای شیخ سعید عبدالحفیظ حجاوی، مفتی کل کشور اردن هاشمی؛ فتوای دکتر محمد حبیب بن خوجه، دبیر کل مجمع بین المللی

فقه اسلامی؛ فتوای شیخ ابراهیم بن محمد الوزیر، رئیس مرکز مطالعات و بررسی‌های اسلامی صنعا؛ فتوای دکتر یوسف قرضاوی، رئیس اتحادیه علمای جهان اسلام؛ فتوای شیخ عبد الله بن بیه نایب رئیس اتحادیه جهانی علمای اسلام؛ فتوای مرحوم شیخ احمد کفتارو مفتی اعظم سابق سوریه در باره‌ی پیروان مذاهب اسلامی؛ فتوای دکتر شیخ علی جمعه مفتی جمهوری عربی مصر؛ فتوای شورای عالی امور دینی ترکیه در خصوص پیروان مذاهب اسلامی؛ فتوای دکتر فرید نصر واصل مفتی کشور مصر؛ فتوای شیخ الازهر، شیخ محمد سعید طنطاوی در باره‌ی پیروان مذاهب اسلامی؛ فتوای شیخ الازهر، شیخ جاد الحق در خصوص پیروان مذاهب اسلامی؛ فتوای آیت الله سید حسین صدر در باره‌ی پیروان مذاهب اسلامی؛ فتوای آیت الله سیستانی در باره‌ی پیروان مذاهب اسلامی؛ فتوای آیت الله سید محمد سعید حکیم در خصوص پیروان مذاهب اسلامی؛ استفتائات علمای شیعه و سنی در مورد شرکت در نماز جماعت سایر مذاهب اسلامی؛ فتوای مشترک اتحادیه جهانی علمای اسلام در اجلاس اردن جهت اطلاع از متن هم‌ه‌ی فتاوا‌ی مذکور (ر.ک: <http://test.taghrib.ir/persian/?pgid=6&scid=51dcid>)

**فتوای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در باره‌ی پیروان مذاهب اسلامی مقام معظم رهبری در پاسخ به سؤالی در خصوص تکفیر پیروان مذاهب اسلامی چنین مرقوم فرمودند:**

سؤال: با وجود ادله‌ی متقن حاکم بر وجوب وحدت مسلمین، نظر حضرت مستطاب عالی در خصوص اطلاق امت اسلامی بر اتباع مذاهب دیگر اسلامی اعم از فرق چهارگانه‌ی اهل سنت، زیدیه، ظاهریه، اباضیه و دیگران که اصول دین مبین را معتقدند، چیست؟ آیا تکفیر فرق مزبور، جایز است یا خیر؟ و اصولاً حدود تکفیر در عصر حاضر چگونه است؟ توفیقات عالی‌ه‌ی حضرت عالی را در

خدمت به اسلام و مسلمین، به ویژه جهان تشیع، از درگاه ذات اقدس متعال خواستاریم.

جواب: فرق اسلامی، همگی امت اسلامی محسوب و از تمام مزایای اسلامی برخوردارند و تفرقه بین طوایف مسلمین، علاوه بر آنکه خلاف تعلیمات قرآن کریم و سنت رسول گرامی اسلام، صلی الله علیه وآله وسلم است، موجب تضعیف مسلمین و سوژه به دست دشمنان اسلام دادن است، فلذا به هیچ وجه جایز نیست.

دفتر حضرت آیت الله خامنه‌ای؛ دفتر استفتائات

(ر.ک: <http://test.taghrib.ir/persian/?pgid=6&scid=51>dcid:)

### (ب) نقش اتحاد ملی و انسجام اسلامی در تحقق قاعده ی نفی سبیل

پیشتر گفته شد که رابطه‌ی قاعده‌ی نفی سبیل با اتحاد ملی و انسجام اسلامی، رابطه‌ای متقابل است. بدین معنی که قاعده‌ی نفی سبیل، در صورت تبیین درست و همه جانبه، در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند که مورد بحث واقع شد.

در این مقال ذکر این نکته ضروری است که در نقطه‌ی مقابل و رابطه‌ی تکمیلی این قاعده می‌توان گفت که اتحاد ملی و انسجام اسلامی نیز نقش بسیار بزرگی در تحقق قاعده‌ی نفی سبیل دارد.

وقتی بر اساس ادله ی نقلی و عقلی مبتنی بر مبانی قرآنی و حقایق فرقانی و حکمت ایقانی، نفی سبیل کفار بر مسلمانان، در هر شکل و صورتی، واجب عینی است و همه‌ی فقهای فریقین بر آن اعتقاد جازم دارند، نتیجه می‌گیریم که تحقق این قاعده، همتی فردی و جمعی می‌طلبد و ضمن وجوب عینی فردی، همه مسلمانان باید با یک اتحاد ملی و انسجام دینی، جهت تحقق این امر قیام نمایند و بدیهی است که ید واحده‌ی امت اسلامی، بهتر می‌تواند با پشتیبانی از یکدیگر، به تحقق بیرونی و همه جانبه‌ی قاعده‌ی نفی سبیل کمک نماید و بر همین





میناست که همه‌ی علمای راستین جهان اسلام، در همه‌ی مذاهب رسمی اسلامی، بر وحدت مسلمانان و دوری از تفرقه تأکید دارند. به عبارت دیگر می‌توان گفت: اگر چه قاعده‌ی نفی سبیل به وحدت مسلمانان و جوب عینی می‌بخشد و تفرقه را نفی می‌کند، لازمه‌ی تحقق عینی قاعده‌ی نفی سبیل در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی نیز وحدت و اتحاد مسلمانان در جوامع اسلامی است. مسلمانان تنها با اتحاد و انسجام ملی و دینی خویش می‌توانند این قاعده‌ی بسیار ضروری را در همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی و در همه‌ی جوامع جهانی پیاده کنند.

#### ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

با توجه به آنچه که در مجال و مضیق مقال این مقاله مطرح گردید، نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۱- کفار و دشمنان اسلام همواره مترتب و مترصد در کمین مسلمانان منتظر و مراقب نشسته‌اند تا به نحوی از غفلت مسلمانان بهره‌جسته و فرصتی یابند تا با ایجاد زمینه‌های مناسب راه غلبه و استیلا و استبداد بر مسلمانان را پیدا کرده و با استفاده از فرصت مناسب، بر همه‌ی ابعاد اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی مسلمانان احاطه و تسلط قهرآمیز و همه‌جانبه‌ای پیدا کنند.

۲- از دیرباز تا کنون یکی از راه‌های سیطره‌ی کفار بر مسلمانان، ایجاد تفرقه و شکاف در بنیان مرصوص امت واحده‌ی اسلامی بوده است و امروز با کوله‌باری از تجربه‌های شوم استکباری، دشمنان دین در پی راهیابی در صفوف مسلمانان هستند و با مطرح کردن مسائل تفرقه‌برانگیز، سعی دارند که با فشل کردن و پراکنده نمودن مسلمانان و تضعیف قدرت عظیم وحدت مسلمین، راه سلطه‌ی خویش را هموار سازند.

۳- بر اساس مبانی فقهی همه‌ی مذاهب اسلامی و بر مبنای ادله‌ی نقلی و عقلی، اعم از آیات قرآنی و روایات فرقانی و نیز مستنبطات عقلی ایقانی و اجماع عقلانی برهانی، نفی سبیل کفار بر مسلمانان بر احاد جامعه‌ی اسلامی واجب است و همه باید چون ید واحد در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی، هر گونه راهی را که منجر به استیلا و تفوق کفار بر مسلمانان می‌شود مسدود کنند.

۴- همه‌ی فقهاء و مفتیان مذاهب اسلامی بر اساس قاعده‌ی نفی سبیل، وحدت ملی و انسجام اسلامی را سدی مستحکم و بنیانی مرصوص و استوار در مقابل هجمه‌ی عظیم دنیای کفر شناخته و معرفی کرده‌اند و در این زمینه فتوا صادر نموده‌اند و لذا بر احاد مکلفین مسلمان واجب است، فتاوی مراجع خویش را پذیرفته و به آنها عمل نمایند و از هر گونه اظهار نظر و عمل تفرقه برانگیز اجتناب نمایند.

۵- لازمه‌ی تحقق قاعده‌ی نفی سبیل، که قاعده‌ی اجماعی علمای شیعه و سنی است، وحدت و انسجام جامعه‌ی اسلامی است تا بتوانند با کنار گذاشتن اختلاف‌های سلیقه‌ای و با اتحاد ملی و پشتیبانی از یکدیگر در ابعاد بین‌المللی، بر جهان استکبار فائق آیند و با انسجام اسلامی و محور قرار دادن خدا، قرآن و رسول الله، صلی الله علیه و آله وسلم، و اهل بیت آن حضرت، علیهم السلام، کفار معاند را مایوس کرده و در انتظار طویل تفوقشان بر مسلمین جهان نگه دارند تا هرگز نتوانند به اهداف شوم و نیت پلید خویش برسند.

۶- بدیهی است که قاعده‌ی نفی سبیل و اتحاد ملی و انسجام اسلامی رابطه‌ای متقابل دارد و هر دو در یکدیگر نقش مؤثری ایفا می‌کنند. بدین معنا که اگر چه قاعده‌ی نفی سبیل که مورد اتفاق جوامع فقهی و علمی مسلمانان است، بزرگ‌ترین ابزار برای انسجام اسلامی و اتحاد ملی است، اتحاد ملی و انسجام اسلامی نیز بزرگ‌ترین پشتوانه برای اجرای این حکم فقهی سیاسی و بین‌المللی است و



بدیهی است که تحقق آن منوط به رها کردن همه‌ی مراتب تفرقه و تشتت در جامعه‌ی اسلامی است.

لذا می‌توان گفت که قاعده‌ی نفی سبیل ایجاب می‌کند که مسلمانان از تفرقه و تشتت و اختلاف‌های سلیقه‌ای دست بردارند. زیرا تفرقه یکی از مصادیق بارز سبیل کفار بر مسلمانان است و در طرف مقابل، لازمه‌ی تحقق قاعده‌ی نفی سبیل، در همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی و بین‌المللی و پیاده شدن این حکم مورد پذیرش همه‌ی مذاهب اسلامی، وحدت ملی و انسجام اسلامی است و مسلمانان تنها با اتحاد ملی و انسجام و یکپارچگی خویش حول محور توحید و نبوت و اهل بیت عصمت و طهارت می‌توانند قاعده‌ی نفی سبیل را به خوبی پیاده کنند.

#### فهرست منابع

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- آخوند خراسانی، اللمعات النیره، السید صالح المدرسی، مدرسه ولی عصر العلمیه، الطبعة الأولى، قم، ۱۴۲۲ هـ، ۱۳۸۲ ش.
- ۳- -----، حاشیه المکاسب، تصحیح و تعلیق: السید مهدی شمس الدین، الطبعة الأولى، وزارت إرشاد اسلامی، ۱۴۰۶ هـ.
- ۴- آلوسی، تفسیر الکوسی، بی تا.
- ۵- ابن ابی حاتم، تفسیر ابن ابی حاتم، أسعد محمد الطیب، صیدا، المكتبة العصرية، المكتبة العصرية.
- ۶- ابن ابی زمنین، تفسیر ابن زمنین، أبو عبد الله حسین بن عکاشه، الطبعة الأولى، مصر - القاهرة، الفاروق الحدیثه، ۱۴۲۳ هـ، ۲۰۰۲ م.
- ۷- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق طاهر احمد الزاوی، محمد الطناحی، بیروت، دارالفکر.
- ۸- ابن البراج، المهدب، إعداد: مؤسسه سید الشهداء العلمیه، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۰۶ هـ. ق.
- ۹- -----، جواهر الفقه، إبراهیم بهادری، الطبعة الأولى، مؤسسه النشر الإسلامی، التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، وتلیه رسالتان: للسید المرتضی، والشیخ الطوسی، ۱۴۱۱ هـ.
- ۱۰- ابن الجوزی، زاد المسیر، محمد بن عبد الرحمن عبد الله، الطبعة الأولى، کانون الثانی ۱۹۸۷ م، دار الفکر للطباعه والنشر والتوزیع، تخریج الأحادیث أبو هاجر السعید بن بسیونی زغلول، جمادی الأولى ۱۴۰۷ هـ.

- ١١- ابن العلامة، إيضاح الفوائد، تعليق: السيد حسين الموسوي الكرماني، الشيخ علي پناه الإشتهاردي، الشيخ عبد الرحيم البروجردي، الطبعة الأولى، المطبعة العلمية، قم، طبع بأمر آية الله العظمى السيد محمود الشاهرودي، ١٣٨٧.
- ١٢- ابن حجر، الدراية في تخريج أحاديث الهداية، صحح وعلق عليه السيد عبد الله هاشم اليماني المدني، دار المعرفة، بيروت، توزيع: عباس أحمد الباز، مكة المكرمة.
- ١٣- -----، تعليق التعليق، سعيد عبد الرحمن موسى القرقي، الطبعة الأولى، بيروت، المكتب الإسلامي، ١٤٠٥ هـ.
- ١٤- -----، فتح الباري، الطبعة الثانية، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت، لبنان، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت، لبنان.
- ١٥- -----، لسان الميزان، الطبعة الثانية، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بيروت، لبنان، الطبعة الأولى بمطبعة مجلس دائره المعارف النظاميه الكائنه في الهند بمحروسه حيدر آباد الدكن عمرها الله إلى أقصى الزمن سنه ١٣٢٩ هجرية، ١٣٩٠، ١٩٧١ م.
- ١٦- ابن حزم، الاحكام، مطبعة العاصمة، القاهرة، الناشر: زكريا علي يوسف.
- ١٧- -----، المحلى، دار الفكر، طبعه مصححه ومقابله على عده مخطوطات ونسخ معتمده كما قوبلت على النسخه التي حققها الأستاذ الشيخ أحمد محمد شاكر.
- ١٨- ابن رشد، بدايه المجتهد ونهايه المقتصد، تنقيح وتصحيح: خالد العطار، إشراف: مكتبة البحوث والدراسات، جديده منقحه ومصححه، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، ١٤١٥ هـ، ١٩٩٥ م.
- ١٩- ابن سلامه، مسند الشهاب، حمدي عبد المجيد السلفي، الطبعة الأولى، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤٠٥ هـ، ١٩٨٥ م.
- ٢٠- ابن طي الفقعي، الدر المنضود، تحقيق وتعليق: محمد بركت، الطبعة الأولى، قم، مكتبة مدرسه إمام العصر (عج) العلميه، ١٤١٨ هـ.
- ٢١- ابن عابدين، حاشيه رد المحتار، إشراف: مكتب البحوث والدراسات، جديده منقحه مصححه، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، المكتبة التجاريه، مصطفى أحمد الباز، ١٤١٥ هـ، ١٩٩٥ م.
- ٢٢- -----، تكمله حاشيه رد المحتار، إشراف: مكتب البحوث والدراسات، جديده منقحه مصححه، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، ١٤١٥ هـ، ١٩٩٥ م.
- ٢٣- ابن عطيه الأندلسي، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، الطبعة الأولى، لبنان، دار الكتب العلميه، ١٤١٣ هـ، ١٩٩٣ م.
- ٢٤- ابن كثير، تفسير ابن كثير، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، ١٤١٢ هـ، ١٩٩٢ م.
- ٢٥- ابن منظور، لسان العرب، نشر أدب الحوزه، قم، إيران، محرم ١٤٠٥ هـ.
- ٢٦- أبو البركات، الشرح الكبير، دار إحياء الكتب العربيه، عيسى البابي الحلبي وشركاه.
- ٢٧- أبو الليث السمرقندي، تفسير السمرقندي، محمود مطرجي، بيروت، دار الفكر.
- ٢٨- أبي السعود، تفسير أبي السعود، دار إحياء التراث العربي، بيروت.
- ٢٩- احساني، ابن أبي جمهور، عوالي اللئالي، تحقيق: الحاج آقا مجتبی العراقي، الطبعة الأولى، سيد الشهداء، قم، ١٤٠٣ هـ.

- ٣٠- أحمد المرتضى، شرح الأزهار، مكتبه غمضان، صنعاء، اليمن.
- ٣١- أحمد بن حنبل، العلل، الدكتور وصى الله بن محمود عباس، المكتب الإسلامى، بيروت، دار الخانى، الرياض، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ هـ.
- ٣٢- أحمد بن على بن حجر، القول المسدد فى مسند أحمد، الطبعة الأولى، عالم الكتب، ١٤٠٤ هـ، ١٩٨٤ م.
- ٣٣- أحمد بن محمد بن سلمه، شرح معانى الآثار، تحقيق وتعليق: محمد زهرى النجار، الطبعة الثالثة، دار الكتب العلميه، مصدر بكتاب أمانى الأخبار بشرح معانى الآثار، ١٤١٦ هـ، ١٩٩٦ م.
- ٣٤- أحمد فتح الله، معجم ألفاظ الفقه الجعفرى، الطبعة الأولى، مطابع المدوخل، الدمام، ١٤١٥ هـ، ١٩٩٥ م.
- ٣٥- اصبهانى، ذكر أخبار إصبهان، بريل، ليدن المحروسه، ١٩٣٤ م.
- ٣٦- اصفهاني، حاشيه المكاسب، الشيخ عباس محمد آل سباع القطيفى، الطبعة الأولى، علميه، ١٤١٨ هـ.
- ٣٧- راغب، حسين ابن محمد، مفردات غريب القرآن، الطبعة الثانية، دفتر نشر الكتاب، ١٤٠٤ هـ.
- ٣٨- البانى، محمد ناصر، إرواء الغليل، إشراف: زهير الشاويش، الطبعة الثانية، المكتب الإسلامى، بيروت، لبنان، ١٤٠٥ هـ.
- ٣٩- المصطلحات، إعداد مركز المعجم الفقهى.
- ٤٠- امين، سيد محسن، أعيان الشيعة، تحقيق وتخريج: حسن الأمين، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، لبنان.
- ٤١- أمينى، الغدير، الطبعة الثالثة، دار الكتاب العربى، عنى بنشره الحاج حسن ايرانى صاحب دار الكتاب العربى، بيروت، ١٩٦٧ م.
- ٤٢- ----، سيرتنا وستنتا، الطبعة الثانية، دار الغدير للمطبوعات، دار الكتاب الإسلامى بيروت، لبنان، ١٤١٢ هـ، ١٩٩٢ م.
- ٤٣- أندلسى، أبى حيان، تفسير البحر المحيط، الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الطبعة الأولى، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٢٢ هـ.
- ٤٤- أنصارى، زكريا، فتح الوهاب، الطبعة الأولى، منشورات محمد على بيضون، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ هـ، ١٩٩٨ م.
- ٤٥- أنصارى، شيخ محمد على، الموسوعه الفقيهه الميسره، الطبعة الأولى، باقرى، مجمع الفكر الإسلامى، ويليهها الملحق الأصولى، ١٤١٥ هـ.
- ٤٦- أردبيلى، زبده البيان، تحقيق وتعليق: محمد الباقر البهردى، المكتبه المرتضويه لإحياء الآثار الجعفرية - طهران.
- ٤٧- بجنوردى، القواعد الفقيهه، مهدي المهريزى، محمد حسين الدرايى، الطبعة الأولى، نشر الهادى، قم، ايران، ١٤١٩ هـ.
- ٤٨- بحر العلوم، السيد محمد، بلغه الفقيه، تحقيق وتعليق: السيد حسين ابن السيد محمد تقى آل بحر العلوم، الطبعة الرابعه، منشورات مكتبه الصادق، طهران، مكتبه العلمين العامه، النجف الأشرف، ١٩٨٤ م، ١٣٦٢ ش، ١٤٠٣ هـ.
- ٤٩- بحراني، الحدائق الناضره، الطبعة الأولى، مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤٠٩ هـ.

- ٥٠- بخاری، صحيح البخاری، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، طبعه بالأوفست عن طبعه دار الطباعة العامره بإستانبول، ١٤٠١ هـ.
- ٥١- برقي، أحمد بن محمد بن خالد، المحاسن، التحقيق: السيد جلال الدين الحسيني المشتهر بالمحدث، الطبعه الأولى، رنگين، تهران، ١٣٢٧، دار الكتب الإسلامية، طهران، ١٣٧٠، ١٣٣٠ ش.
- ٥٢- بروجردی، جامع أحاديث الشيعة، المطبعة العلمية، قم، ١٤٠٩ هـ.
- ٥٣- بغدادی، ابن نجار، ذیل تاریخ بغداد، درسه و تحقیق: مصطفی عبد القادر يحيى، الطبعه الأولى، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤١٧ هـ.
- ٥٤- بغوی، تفسير البغوی، خالد عبد الرحمن العك، بيروت، دار المعرفة.
- ٥٥- بكری دمیاطی، إعانه الطالبین، الطبعه الأولى، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، أبی بكر المشهور بالسید البكری ابن السید محمد شطا الدمیاطی، ١٤١٨ هـ، ١٩٩٧ م.
- ٥٦- بهوتی، كشاف الفناع، تقديم: كمال عبد العظيم العناني، تحقيق: أبو عبد الله محمد حسن محمد حسن إسماعيل الشافعي، الطبعه الأولى، منشورات محمد علي بيضون، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، ١٤١٨ هـ، ١٩٩٧ م.
- ٥٧- بیضاوی، تفسير البيضاوی، بيروت، دار الفكر.
- ٥٨- بیهقی، السنن الكبرى، دار الفكر.
- ٥٩- ----، معرفه السنن والآثار، سيد كسروی حسن، لبنان، بيروت، دار الكتب العلمية.
- ٦٠- تبریزی، أبو طالب التجليل، معجم المحاسن والمساوی، الطبعه الأولى، مؤسسه النشر الإسلامی، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤١٧ هـ.
- ٦١- تستری، نور الله، إحقاق الحق (الأصل).
- ٦٢- ثعالبی، تفسير الثعالبی، الدكتور عبد الفتاح أبو سنه، الشيخ علی محمد معوض، والشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الطبعه الأولى، دار إحياء التراث العربی، مؤسسه التاريخ العربی، بيروت، لبنان، ١٤١٨ هـ.
- ٦٣- ----، تفسير الثعالبی، الطبعه الأولى، بيروت، لبنان، دار إحياء التراث العربی، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م.
- ٦٤- جصاص، أحكام القرآن، عبد السلام محمد علی شاهين، الطبعه الأولى، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، ١٤١٥ هـ.
- ٦٥- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، تصحيح وتعليق: علی أكبر الغفاری، الطبعه الثانيه، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤٠٤ هـ، ١٣٦٣ ش.
- ٦٦- حر عاملی، الجواهر السنيه، النعمان، طبع علی نفقه المكتبه العلميه لصاحبها محمد جواد الكتبي الكاظمی، بغداد، ١٩٦٤ م.
- ٦٧- ----، وسائل الشيعه (آل البيت)، الطبعه الثانيه، قم، مؤسسه آل البيت، لإحياء التراث بقم المشرفه، ١٤١٤ هـ.
- ٦٨- ----، وسائل الشيعه (الإسلاميه)، تحقيق وتصحيح وتذييل: الشيخ عبد الرحيم الرباني الشيرازي، الطبعه الخامسه، دار إحياء التراث العربی، بيروت، لبنان، ١٤٠٣ هـ، ١٩٨٣ م.
- ٦٩- حسين بن سعيد، كتاب المؤمن، ق ٣، الطبعه الأولى، مدرسه الإمام المهدي عليه السلام بالحوزه العلميه، قم، ١٤٠٤ هـ.

- ٧٠- حسینیان، تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمیه قم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ٧١- حسینی مراغی، العناوین الفقہیہ، مؤسسہ النشر الإسلامی، الطبعة الأولى، التابعه لجماعه المدرسین بقم، ١٤١٧ هـ.
- ٧٢- حصکفی، الدر المختار، إشراف: مکتب البحوث والدراسات، جدیدہ منقحہ مصححہ، دار الفکر للطباعه والنشر والتوزیع، بیروت، لبنان، المکتبه التجاریه، مصطفی أحمد الباز، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م.
- ٧٣- خطاب رعینی، مواهب الجلیل، الطبعة الأولى، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ١٤١٦ هـ، ١٩٩٥ م.
- ٧٤- حکیم، سید محسن، مستمسک العروه، منشورات مکتبه آیہ الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ایران، ١٣٩٠، ١٩٧٠ م.
- ٧٥- حلی، ابن زهره، غنیہ النزوع، الشیخ إبراهیم البهاری، إشراف: جعفر السبحانی، الطبعة الأولى، اعتماد، قم، مؤسسہ الإمام الصادق علیه السلام، توزیع: مکتبه التوحید، محرم الحرام ١٤١٧ هـ.
- ٧٦- حلی، ابن إدريس، السرائر، الطبعة الثانية، مطبعه مؤسسہ النشر الإسلامی، التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ١٤١٠ هـ.
- ٧٧- حلی، ابن فهد، المذهب البارع، الشیخ مجتبی العراقی، مؤسسہ النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ١٤١١ هـ.
- ٧٨- -----، عده الداعی، تصحیح: احمد الموحدی القمی، مکتبه وجدانی، قم.
- ٧٩- حویزی، تفسیر نور الثقلین، الطبعة الرابعة، مؤسسہ إسماعیلیان، قم، ١٣٧٠ هـ، ١٤١٢ ش.
- ٨٠- خلیل بن احمد، کتاب العین، الدكتور مهدی المخزومی، الدكتور إبراهیم السامرائی، الطبعة الثانية، الصدر، مؤسسہ دار الهجرة، ١٤١٠ هـ.
- ٨١- خمینی، روح الله، المكاسب المحرمه، الطبعة الثالثة، مؤسسہ إسماعیلیان للطباعه والنشر والتوزیع، قم، ١٤١٠ هـ، ١٣٦٨ ش.
- ٨٢- خمینی، روح الله، صحیفه نور.
- ٨٣- -----، کتاب البیع، الطبعة الأولى، تهران، مؤسسہ تنظیم ونشر آثار الامام الخمينی، ١٤٢١ هـ.
- ٨٤- -----، کتاب الطهاره، توزیع: مطبعه مهر، قم، ١٤١٠ هـ.
- ٨٥- خوئی، ابوالقاسم، کتاب النکاح، منشورات مدرسه دار العلم، تقریراً لبحث آیہ الله العظمی السيد أبو القاسم الخوئی (وفاه ١٤١١ هـ).
- ٨٦- -----، مبانى تکمله المنهاج، الطبعة الثانية، العلمیه، قم المقدسه، ١٣٩٦.
- ٨٧- -----، مصباح الفقاهه، الطبعة الأولى المحققه، العلمیه، مکتبه الداوری، قم.
- ٨٨- خوانساری، جامع المدارک، تعليق: علی أكبر الغفاری، الطبعة الثانية، مؤسسہ إسماعیلیان للطباعه والنشر والتوزیع، قم، ایران، ١٤٠٥ هـ.
- ٨٩- دارقطنی، سنن الدارقطنی، تعليق وتخریج: مجددي بن منصور سيد الشورى، الطبعة الأولى، دار الکتب العلمیه، بیروت، ١٤١٧ هـ.
- ٩٠- دسوقی، حاشیه الدسوقی، دار إحياء الکتب العربیه، عیسی البابی الحلیمی وشركاه.
- ٩١- ذهبي، میزان الاعتدال، علی محمد الجاوی، الطبعة الأولى، دار المعرفه للطباعه والنشر، بیروت، لبنان، ١٣٨٢ - ١٩٦٣ م.

- ٩٢- رازی، تفسیر الرازی، الطبعة الثالثة.
- ٩٣- رافعی، عبد الکریم، فتح العزیز، دار الفکر.
- ٩٤- راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، السید أحمد الحسینی، الطبعة الثانية، مکتبه آیه الله العظمی النجفی المرعشی، ١٤٠٥ هـ.
- ٩٥- روحانی، السید محمد صادق، فقه الصادق علیه السلام، الطبعة الثالثة، العلمیه، مؤسسه دار الکتب، قم، ١٤١٢ هـ.
- ٩٦- منہاج الفقاهه، الطبعة الرابعة، منہاج الفقاهه التعليق علی مکاسب الشیخ الأعظم، ١٤١٨ هـ.
- ٩٧- روحانی، سید محمد، المرتقی إلى الفقه الأرقی، الطبعة الأولى، ١٤٢٠ هـ، ١٣٧٨ ش.
- ٩٨- روحانی، منتقى الأصول، تقرير بحث الروحاني، للحکیم، الطبعة الأولى، الهادی، ١٤١٨ هـ.
- ٩٩- زبیدی، تاج العروس، علی شیری، دار الفکر، بیروت، ١٩٩٤ م - ١٤١٤ هـ .
- ١٠٠- زمخشری، الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل، شرکه مکتبه ومطبعة مصطفى البابی الحلبي وأولاده بمصر، عباس ومحمد محمود الحلبي وشرکاهم، خلفاء، ١٣٨٥، ١٩٦٦ م.
- ١٠١- زیلعی، نصب الراية، أيمن صالح شعبان، الطبعة الأولى، مطابع الوفاء، المنصورة، دار الحديث، القاهرة، ١٤١٥ هـ، ١٩٩٥ م.
- ١٠٢- سبزواری، کفایه الأحکام، الطبعة الأولى، مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ١٤٢٣ هـ.
- ١٠٣- سرخسی، المبسوط، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، لبنان، ١٤٠٦ هـ، ١٩٨٦ م.
- ١٠٤- سرخسی، شرح السیر الكبير، الدكتور صلاح الدين المنجد، مطبعة مصر، ١٩٦٠ م.
- ١٠٥- سعدی، عبد الرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی کلام المنان، ابن عثيمين، بیروت، مؤسسه الرساله، ١٤٢١ هـ.
- ١٠٦- سفیان ثوری، تفسیر الثوری، الطبعة الأولى، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ١٤٠٣ هـ.
- ١٠٧- سلمی دمشقی شافعی، عبد العزیز بن عبد السلام، تفسیر العزیز بن عبد السلام، الطبعة الأولى، بیروت، دار ابن حزم، ١٤١٦ هـ.
- ١٠٨- سمعانی، تفسیر السمعانی، یاسر بن إبراهيم و غنیم بن عباس بن غنیم، الطبعة الأولى، السعودیه، الرياض، ١٤١٨ هـ.
- ١٠٩- سید ابن طاووس الحسینی، الیقین، الأنصاری، الطبعة الأولى، نمونه، مؤسسه دار الکتب (الجزائری)، ربیع الثاني، ١٤١٣ هـ.
- ١١٠- سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، صلی الله علیه وآله وسلم، الطبعة الأولى، دار السیره، بیروت، ١٤٢٠ هـ، ١٩٩٩ م.
- ١١١- سید شرف الدین، الفصول المهمه فی تألیف الأمة، الطبعة الأولى، قسم الإعلام الخارجی لمؤسسه البعثه، ١٣٧٧.
- ١١٢- سیستانی، قاعده لا ضرر ولا ضرار، تقرير بحث السيستاني، معاصر، مصطلحات ومفردات فقهیه، الطبعة الأولى، رجب ١٤ ١٤ هـ، مهر، قم، مکتب آیه الله العظمی السید سیستانی، قم.



- ١١٣- سيوطي، جلال الدين، الجامع الصغير، الطبعة الأولى، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤٠١ هـ، ١٩٨١ م.
- ١١٤- -----، الدر المنثور، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت، لبنان، ١٣٧٩ ش.
- ١١٥- شبر، عبد الله، تفسير شبر، راجعه الدكتور حامد حفني داود، الطبعة الثالثة، السيد مرتضى الرضوي، ١٣٨٥ هـ، ١٩٦٦ م.
- ١١٦- شربيني، محمد بن أحمد، مغنى المحتاج، دار إحياء التراث العربى، بيروت، لبنان، ١٣٧٧ هـ، ١٩٥٨ م.
- ١١٧- -----، الإقناع فى حل ألفاظ أبى شجاع، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.
- ١١٨- شروانى و عبادى، حواشى الشروانى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، لبنان.
- ١١٩- شوكانى، فتح القدير، الشوكانى، عالم الكتب.
- ١٢٠- -----، نيل الأوطار، دار الجيل، بيروت، لبنان، ١٩٧٣.
- ١٢١- شهيد ثانى، شرح للمعه، منشورات جامعه النجف الدينيه، منشورات مكتبه الداورى، قم، مطبعه أمير، قم، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ.
- ١٢٢- -----، مسالك الأفهام، الطبعة الأولى، مؤسسه المعارف الإسلاميه، قم، إيران، ١٤١٣ هـ.
- ١٢٣- شيخ أنصارى، كتاب المكاسب، الطبعة الأولى، باقرى، قم، جمادى الأول ١٤١٥ هـ.
- ١٢٤- شيخ أنصارى، كتاب النكاح، الطبعة الأولى، باقرى، قم، جمادى الثانى ١٤١٥ هـ.
- ١٢٥- شيخ جواهرى، جواهر الكلام، الطبعة الثالثه، دار الكتب الإسلاميه، طهران، نهض بمشروع: الشيخ على الآخوندى، ١٣٦٧ ش.
- ١٢٦- شيخ سيد سابق، فقه السنه، الطبعة الثالثه، دار الكتاب العربى، بيروت، لبنان، المجلد الثانى، الأجزاء السادس والسابع والثامن والتاسع والعاشر والحادى عشر، ١٣٩٧ هـ، ١٩٧٧ م.
- ١٢٧- شيخ صدوق، ثواب الأعمال، تقديم: السيد محمد مهدى السيد حسن الخرسان، الطبعة الثانيه، منشورات الشريف الرضى، ١٣٦٨ ش.
- ١٢٨- -----، مصادقه الإخوان (فارسي)، منشورات مكتبه الإمام صاحب الزمان العامه، الكاظميه، العراق.
- ١٢٩- -----، من لا يحضره الفقيه، الطبعة الثانيه، منشورات جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه فى قم، ١٤٠٤ هـ.
- ١٣٠- شيخ طبرسى، تفسير جوامع الجامع، الهيئتمنى، حسين سليم أسد الداراني، الطبعة الأولى، دار الثقافه العربيه، ١٤١١ هـ.
- ١٣١- -----، تفسير مجمع البيان، الطبعة الأولى، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، بيروت، لبنان، ١٤١٥ هـ.
- ١٣٢- شيخ طوسى، التبيان، تحقيق وتصحيح: أحمد حبيب قصير العاملى، الطبعة الأولى، مطبعه مكتب الإعلام الإسلامى، رمضان ١٤٠٩ هـ.
- ١٣٣- شيخ طوسى، الخلاف، المحققون: السيد على الخراسانى، السيد جواد الشهرستانى، الشيخ محمد مهدى نجف، المشرف: الشيخ مجتبى العراقى، الطبعة الأولى، مطبعه مؤسسه النشر الإسلامى، التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤١٧-١٤٠٧ هـ.
- ١٣٤- -----، المبسوط، تصحيح وتعليق: السيد محمد تقى الكشفى، المكتبه المرتضويه لإحياء آثار الجعفرية، ١٣٨٧.

- ١٣٥- -----، تهذيب الأحكام، تحقيق وتعليق: السيد حسن الموسوي الخرساني، الطبعة الثالثة، خورشيد، دار الكتب الإسلامية، طهران، نهض بمشروعه: الشيخ علي الآخوندي، تمتاز هذه الطبعة عما سبقها بعنايه تامه في التصحيح: الشيخ محمد الآخوندي ١٣٩٠، ١٣٦٤ ش.
- ١٣٦- شيخ مفيد، مسألان في النص علي علي، عليه السلام، محمد رضا الأنصاري، الطبعة الثانيه، دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، ١٤١٤ هـ، ١٩٩٣ م.
- ١٣٧- صرامي، سيف الله، جاينگاه قاعده نفي سبيل در سياستهاي كلان نظام اسلامي، مجله حكومت اسلامي.
- ١٣٨- -----، جاينگاه قاعده نفي سبيل در سياستهاي كلان نظام اسلامي، مجله حكومت اسلامي.
- ١٣٩- صنعاني، عبد الرزاق، تفسير القرآن، الدكتور مصطفى مسلم محمد، الطبعة الأولى، مكتبه الرشد للنشر والتوزيع الرياض، المملكة العربية السعودية، ١٤١٠ هـ، ١٩٨٩ م.
- ١٤٠- طباطبائي، تفسير الميزان، منشورات جماعه المدرسين في الحوزه العلميه، قم المقدسه، ١٤١٢ هـ.
- ١٤١- طباطبائي، سيد علي، رياض المسائل، الطبعة الأولى، مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤١٥ هـ.
- ١٤٢- طبرسي، علي، مشكاه الأنوار، مهدي هوشمند، الطبعة الأولى، دار الحديث، ١٤١٨ هـ.
- ١٤٣- طبري، ابن جرير، جامع البيان، تقديم: الشيخ خليل الميس، ضبط وتوثيق وتخریج: صدقي جميل العطار، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، ١٤١٥ هـ، ١٩٩٥ م.
- ١٤٤- طريحي، مجمع البحرين، السيد أحمد الحسيني، الطبعة الثانيه، مكتب النشر الثقافه الإسلاميه، أعاد بناءه علي الحرف الأول من الكلمه وما بعده علي طريقه المعاجم العصريه: محمود عادل، ١٤٠٨ هـ، ١٣٦٧ ش.
- ١٤٥- طوري قادري حنفي، الشيخ محمد بن حسين بن علي، تكمله البحر الرائق، ضبطه وخرج آياته وأحاديثه: الشيخ زكريا عميرات، الطبعة الأولى، منشورات محمد علي بيضون، دار الكتب العلميه بيروت، لبنان، ١٤١٨ هـ، ١٩٩٧ م.
- ١٤٦- طهوري، شيخ صادق، محصل المطالب في تعليقات المكاسب، الطبعة الأولى، ١٤١٩ هـ.
- ١٤٧- عاملي، الانتصار، الطبعة الأولى، دار السيره، بيروت، لبنان، ١٤٢٢ هـ.
- ١٤٨- عاملي، سيد محمد جواد، مفتاح الكرامه، تحقيق وتعليق: الشيخ محمد باقر الخالصي، الطبعة الأولى، مؤسسه النشر الإسلامي، التابعه لجماعه المدرسين، قم، ١٤١٩ هـ.
- ١٤٩- عبد الوهاب، شرح كلمات أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، عليه السلام، تصحيح وتعليق: مير جلال الدين الحسيني الأرموي المحدث، منشورات جماعه المدرسين في الحوزه العلميه في قم المقدسه، ٢٢ محرم الحرام ١٣٩٠ هـ، ١٣٦٩ ش.
- ١٥٠- عجلوني، كشف الخفاء، الطبعة الثالثه، دار الكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٨ هـ، ١٩٨٨ م.
- ١٥١- عظيم آبادي، عون المعبود، الطبعة الثانيه، دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان، ١٤١٥ هـ.
- ١٥٢- علامه حلي، الرسائل التسع، رضا الأستاذي، الطبعة الأولى، مكتبه آيه الله العظمي المرعشي، قم، ١٤١٣ هـ، ١٣٧١ ش.
- ١٥٣- -----، الرساله السعديه، إشراف: السيد محمود المرعشي / إخراج وتعليق وتحقيق: عبد الحسين محمد علي بقال، الأولى المحققه، ١٤١٠ هـ، بهمن، قم، كتابخانه عمومي حضرت آيه الله العظمي مرعشي نجفي، قم.



- ۱۵۴- علامه حلی، تذکره الفقهاء (ط.ج)، مؤسسه آل البيت، عليهم السلام، لإحياء التراث، الطبعة الأولى، قم، جمادى الآخرة ۱۴۱۷ هـ.
- ۱۵۵- -----، شرائع الإسلام، مع تعليقات: السيد صادق الشيرازي، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ هـ، أمير، قم، انتشارات استقلال، طهران، أفتست من الطبعة الثالثة، طبع بموافقه مؤسسه الوفاء، بيروت، لبنان، ۱۴۰۳ هـ ۱۹۸۳ م.
- ۱۵۶- -----، مختلف الشيعه، مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الأولى، التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ذى الحجه ۱۴۱۲ هـ.
- ۱۵۷- -----، منتهى المطلب (ط.ج)، الطبعة الأولى، مؤسسه الطبع والنشر فى الآستانه الرضويه المقدسه، إيران، مشهد، ۱۴۱۲ هـ.
- ۱۵۸- -----، نهایه الإحكام، الطبعة الثانية، مؤسسه إسماعيليان للطباعة والنشر والتوزيع، قم، ۱۴۱۰ هـ.
- ۱۵۹- -----، نهج الحق وكشف الصدق، تقديم: السيد رضا الصدر، تعليق: الشيخ عين الله الحسينى الأرموى، ستاره، قم، مؤسسه الطباعه والنشر دار الهجره، قم، ذى الحجه ۱۴۲۱ هـ.
- ۱۶۰- علوى، محمود، مبانى فقهي روابط بين المللى.
- ۱۶۱- عيني، عمده القارى، دار إحياء التراث العربى، بيروت.
- ۱۶۲- غرناطى الكلبي، تفسير البيضاوى، الطبعة الرابعة، لبنان، دار الكتاب العربى، ۱۴۰۳ هـ، ۱۹۸۳ م.
- ۱۶۳- فاروقى، حارث سليمان، المعجم القانونى، الطبعة الثالثة، منقحه ومزيده، مطابع تيبو برس، مكتبه لبنان، بيروت، ۱۹۹۱.
- ۱۶۴- فاضل أبى، كشف الرموز، الشيخ على بناه الإشتهاردى، الحاج آغا حسين اليزدى، الطبعة الأولى، مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، فرغ من تأليفه عام، ۱۴۱۰ هـ.
- ۱۶۵- فاضل هندی، كشف اللثام (ط.ج)، الطبعة الأولى، مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۲۰ هـ.
- ۱۶۶- فيض كاشانى، التفسير الصافى، الطبعة الثانية، مؤسسه الهادى، قم المقدسه، رمضان ۱۴۱۶ هـ، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۶۷- -----، ملا محسن، التفسير الأصفى، مركز الأبحاث والدراسات الإسلاميه، الطبعة الأولى، مطبعه مكتب الإعلام الإسلامى، مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامى، ۱۴۱۸ هـ، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۶۸- قادرى حبيبي، محمد عاشق الرحمن، سيوف الله الأجله وعذاب الله المجدى، طبعه جديده بالأوفست، مكتبه الحقيقه، يطلب من المكتبه الحقيقه بشارع جار الشفقه بفتح ۵۷، إستانبول، تركيا.
- ۱۶۹- قرشى، باقر شريف، النظام السياسى فى الإسلام، الطبعة الثانية، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، ۱۳۹۸ هـ.
- ۱۷۰- قرطبي، تفسير القرطبي، أبو إسحاق إبراهيم أطفيش، دار إحياء التراث العربى، بيروت، لبنان، ۱۴۰۵ هـ، ۱۹۸۵ م.
- ۱۷۱- قمى، على بن إبراهيم، تفسير القمى، تصحيح وتعليق وتقديم: السيد طيب الموسوى الجزائرى، الطبعة الثالثة، مؤسسه دار الكتاب للطباعه والنشر، قم، إيران، منشورات مكتبه الهدى، صفر ۱۴۰۴ هـ.
- ۱۷۲- قمى، على بن محمد، جامع الخلاف والوفاق، الشيخ حسين الحسينى البيرجندى، الطبعة الأولى، پاسدار إسلام، قم، انتشارات زمينه سازان ظهور إمام عصر (عج).
- ۱۷۳- كاشانى، أبو بكر، بدائع الصنائع، الطبعة الأولى، المكتبه الحبيبيه، باكستان، ۱۴۰۹ هـ، ۱۹۸۹ م.

- ١٧٤- كحلاني، محمد بن اسماعيل، سبل السلام، مراجعه وتعليق: الشيخ محمد عبد العزيز الخولي، الطبعة الرابعة، شركه مكتبه ومطبعه مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، ١٣٧٩ هـ، ١٩٦٠ م.
- ١٧٥- كركي، جامع المقاصد، مؤسسه آل البيت، عليهم السلام، لإحياء التراث، الطبعة الأولى، المهديه، جمادى الأولى ١٤١١ - ١٤٠٨ هـ.
- ١٧٦- كليني، الكافي، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الثالثة، حيدري، دار الكتب الإسلامية، طهران، ١٣٦٧ ش.
- ١٧٧- كيدري، قطب الدين البيهقي، إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، الشيخ إبراهيم البهادري، الطبعة الأولى، ١٤١٦ هـ.
- ١٧٨- گليايگاني، بلغه الطالب، مطبعة الخيام، قم، تقرير أبحاث السيد محمد رضا الموسوي الكليايگاني (وفاه ١٤١٤ هـ).
- ١٧٩- -----، كتاب القضاء، دار القرآن الكريم، قم، إيران.
- ١٨٠- -----، نتائج الأفكار، الأول، الطبعة الأولى، محرم الحرام ١٤١٣ هـ.
- ١٨١- مارديني، الجوهر النقي، دار الفكر.
- ١٨٢- مازندراني، مولي محمد صالح، شرح أصول الكافي، مع تعليقات: الميرزا أبو الحسن الشعراني، ضبط وتصحيح: السيد علي عاشور، الطبعة الأولى، دار إحياء التراث العربي للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٢١ هـ، ٢٠٠٠ م.
- ١٨٣- مباركفوري، تحفه الأخوذي، الطبعة الأولى، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، ١٤١٠ هـ، ١٩٩٠ م.
- ١٨٤- متقي الهندي، كنز العمال، ضبط وتفسير: الشيخ بكرى حيانى، مؤسسه الرساله، بيروت، لبنان، ١٤٠٩ هـ - ١٩٨٩ م.
- ١٨٥- مجلسي، بحار الأنوار، الطبعة الثالثة، المصححه، دار إحياء التراث العربي، بيروت، لبنان، ١٤٠٣ هـ، ١٩٨٣ م.
- ١٨٦- محقق أردبيلي، زبدة البيان، تحقيق: محمد الباقر البهمودي، المكتبه المرتضويه لإحياء الآثار الجعفريه - طهران.
- ١٨٧- -----، مجمع الفائده، الحاج آغا مجتبي العراقي، الشيخ علي پناه الاشتهاردى، الحاج آغا حسين اليزدى الأصفهاني، الطبعة الأولى، مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤٠٣-١٤١٦ هـ.
- ١٨٨- محلى، سيوطى، تفسير الجلالين، تقديم ومراجعه: مروان سوار، دار المعرفه للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان.
- ١٨٩- محمد بن عبد القادر، مختار الصحاح، ضبط وتصحيح: أحمد شمس الدين، الطبعة الأولى، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، طبعه جديده بلونان مرتبه حسب الترتيب الألفبائى ومضبوطه بالشكل ضبطاً كاملاً، ١٤١٥ هـ ١٩٩٤ م.
- ١٩٠- محمد قلجى، معجم لغة الفقهاء، الطبعة الثانية، دار النفائس للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان، ١٤٠٨ هـ، ١٩٨٨ م.
- ١٩١- محمودى، نهج السعاده، الطبعة الأولى، مطبعة النعمان، النجف الأشرف، مؤسسه التضامن الفكرى، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، لبنان، ١٣٨٥ - ١٣٩٧ هـ، ١٩٦٥ - ١٩٧٧ م.
- ١٩٢- مرواريد، على أصغر، الينابيع الفقهيه، الطبعة الأولى، مؤسسه فقه الشيعة، بيروت، لبنان، ١٤١٣ هـ، ١٩٩٣ م.

- ١٩٣- مشہدی، المیرزا محمد، تفسیر کنز الدقائق، مؤسسہ النشر الإسلامی التابعہ لجماعہ المدرسین بقم المشرفہ، ١٤١٠-١٤٠٧ ہ۔
- ١٩٤- مصری، ابن نجیم، البحر الرائق، ضبطہ وخرج آیاتہ وأحادیثہ: الشیخ زکریا عمیرات، الطبعة الأولى، منشورات محمد علی بیضون، دار الکتب العلمیہ، بیروت، لبنان، ١٤١٨ ہ، ١٩٩٧ م۔
- ١٩٥- مصطفوی، مائتہ قاعدہ فقہیہ، المنقحہ، الطبعة الثالثہ، مؤسسہ النشر الإسلامی، مؤسسہ النشر الإسلامی التابعہ لجماعہ المدرسین بقم المشرفہ، ١٤١٧ ہ۔
- ١٩٦- مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، الطبعة الأولى، ١٤٢٤ ہ، ٢٠٠٣ م، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیہ۔
- ١٩٧- مکارم شیرازی، شیخ ناصر، القواعد الفقہیہ، مصطلحات ومفردات فقہیہ، الطبعة الثالثہ، رمضان المبارک ١٤١١ ہ۔
- ١٩٨- مناوی، فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، تصحیح أحمد عبد السلام، الطبعة الأولى، دار الکتب العلمیہ، بیروت، ١٤١٥ ہ، ١٩٩٤ م۔
- ١٩٩- منیہ الطالب، تقریر بحث النائینی، للخوانساری، مؤسسہ النشر الإسلامی، الطبعة الأولى، مؤسسہ النشر الإسلامی التابع لجماعہ المدرسین بقم المشرفہ، ١٤١٨ ہ۔
- ٢٠٠- میلانی، سید علی، نفحات الأزهار، الطبعة الأولى، یاران، المؤلف، نفحات الأزهار فی خلاصہ عبقات الأنوار للعلم الحجہ آیہ اللہ السید حامد حسین الکنہوی، ١٤١٨ ہ، ١٣٧٦ ش۔
- ٢٠١- نجفی، ہادی، ألف حدیث فی المؤمن، الطبعة الأولى، مؤسسہ النشر الإسلامی، التابعہ لجماعہ المدرسین بقم المشرفہ، شوال ١٤١٦ ہ۔
- ٢٠٢- موسوعہ أحادیث أهل البيت، علیہم السلام، الطبعة الأولى، دار إحياء التراث العربی للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٢٣ ہ۔
- ٢٠٣- نحاس، معانی القرآن، الشیخ محمد علی الصابونی، الطبعة الأولى، جامعہ أم القرى، المملکة العربیہ السعودیہ، ١٤٠٩ ہ۔
- ٢٠٤- نراقی، عوائد الأيام، مرکز الأبحاث والدراسات الإسلامیہ، الطبعة الأولى، مطبعة مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، ١٤١٧ ہ، ١٣٧٥ م۔
- ٢٠٥- نراقی، محمد مہدی، جامع السعادات، تحقیق وتعلیق: السید محمد کلانتیر، تقدیم: الشیخ محمد رضا المظفر، الطبعة الرابعہ، مطبعة النعمان، النجف الأشرف، دار النعمان للطباعة والنشر۔
- ٢٠٦- نراقی، مستند الشیعہ، مشہد، الطبعة الأولى، ستارہ، قم، مؤسسہ آل البيت، لإحياء التراث مشہد، ایران، ١٤١٦ ہ۔
- ٢٠٧- نسفی، تفسیر النسفی، بی تا۔
- ٢٠٨- نقوی، سید حامد، خلاصہ عبقات الأنوار، الطبعة الأولى، سید الشهداء، قم، مؤسسہ البعثہ، قسم الدراسات الإسلامیہ، ١٤٠٤ ہ۔
- ٢٠٩- نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینہ البحار، الشیخ حسن بن علی النمازی، مؤسسہ النشر الإسلامی التابعہ لجماعہ المدرسین بقم المشرفہ، ١٤١٩-١٤١٨ ہ۔

- ۲۱۰- نوری، مستدرک الوسائل، الطبعة الأولى المحققة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بيروت، لبنان، ۱۴۰۸هـ.
- ۲۱۱- نووی، شرح مسلم، دار الكتاب العربي، بيروت، لبنان، ۱۴۰۷هـ، ۱۹۸۷م.
- ۲۱۲- واحدی، تفسیر الواحدی، صفوان عدنان داوودی، الطبعة الأولى، دمشق، بيروت، دار القلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۵هـ.
- ۲۱۳- یزدی، العروه الوثقی، الطبعة الأولى، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ۱۴۲۰هـ.

214- [Http://tahoor.Com/page Php? pid = 8409](http://tahoor.Com/page Php? pid = 8409)

215- <http://test.taghrib.ir/persian/?pgid=6&scid=51dcid>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی